# نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۷ شنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)


سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام:

## اخراج، دستگیری و تعلیق دانشجویان اشتباه محض است

هشدار جمهوری اسلامی به مسئولان؛

## مراقب آتش زیرخاکستر باشید از شعله‌ور شدن مجدد این آتش بترسید

دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران با عنوان «اعتراضات ۱۴۰۱، ماهیت، چیستی و چرایی»:

# به امید دولت شنونده و جامعه توانمند

### چهار سناریو برای ایران در آینده پسامهسا

## حزب اعتماد ملی بوشهر خواستار آزادی اسفندیار فتحی شد

به دنبال دستگیری اسفندیار فتحی؛ شاعر، نویسنده و از اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی استان بوشهر و مسئول شاخه دشتستان این حزب، حزب اعتماد ملی شعبه بوشهر خواستار آزادی وی شد.

در این بیانیه آمده است: اسفندیار فتحی از فعالین سیاسی و اجتماعی بنام استان بوشهر بوده که علاوه بر فعالیت های مذکور منتقد ادبی و از شعرای شناخته شده و جوان این استان نیز می باشد. وی نویسنده ای منتقد و روزنامه نگاری صاحب قلم است که سالهاست در حوزه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگ و رسانه ای قلم می زند و همواره نقد دلسوزانه خود را برای اصلاح امور بدون لکنت بیان کرده است. کسانی که از نزدیک با وی آشنا می باشند به قلب پاک و ضمیر روشن و آگاه وی گواهی می دهند. برخورد با چنین افرادی که چیزی جز صلاح ملک و ملت نمی خواهند و ابزاری جز قلم برای ابراز نظر در اختیار ندارند پیام خوبی برای تزریق آرامش به جامعه صادر نکرده و کمکی به فضای ملتهب کنونی نمی کند. لذا بدین وسیله از تمامی دلسوزان نظام و مسئولین استان درخواست داریم با آزادی سریع این روزنامه نگار زحمتکش و منتقد دلسوز خانواده نگران و چشم انتظار وی را از این وضعیت خارج کرده و او را دوباره به کانون گرم خانواده اش باز گردانید.



به همین سادگی، فرصتی به این بزرگی از کف رفت

## ترسوئی به نام کارلوس کی‌روش؛ مقصر اصلی ناکامی ایران در جام جهانی

## باخت ایران و وداع با جام جهانی؛ پایانِ نمایشِ تناقض‌ها



## پاسخ مجلس به اعتراضات

محمدباقر قالیباف، رئیس قوه مقننه در نطق پیش از دستور روز چهارشنبه مجلس گفت: «از رویکردهای جدی مجلس یازدهم توجه عملی به مطالبات و اعتراضات مردم است. علاوه بر مطالبه رتبه‌بندی معلمان و آموزگارانِ طرح مهرآفرین، توجه به اعتراضات بازنشستگانَ، کارگران ساختمانی و دانش‌آموزان کنکوری از مصادیق مهم در این زمینه است. در پاسخ به این اعتراضات، قانون بازنشستگانِ تامین اجتماعی تصویب و قانون مربوط به بیمه کَارگران ساختمانی اصلاح شد و پیگیری مطالبه دانش‌آموزان کنکوری به‌دلیل اختلاف‌نظر با شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنان ادامه دارد. مجلس یازدهم به‌طور عملی نشان داد که به اعتراضاتِ بحقی که هنجارشکنانه نباشد، پاسخی عملی می‌دهد.»

## کاهش ۳۵ درصدی ترانزیت کالا

در شش‌ماهه اول سال نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، آمارها در ترانزیت ریلی منفی بود و در جابه‌جایی بار ترانزیت از مسیر ریلی آمارها کاهش پیدا کرده است. سبحان نظری، دبیر انجمن صنفی شرکت‌های حمل و نقل ریلی از کاهش ۳۵درصدی ترانزیت ریلی در سال جاری خبر داد و گفت: «در نیمه اول ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه در سال گذشته کاهش ۳۵درصدی در ترانزیت ریلی را تجربه کردیم و ممکن است در یک ماه اخیر به دلیل اینکه تمرکز بر موضوع ترانزیت بیشتر شده و وضعیت جابه‌جایی بار ترانزیت تا مقدار جزیی بهبود پیدا کرده اما کماکان هم در بار داخلی و هم در بار خارجی نسبت به سال گذشته منفی هستیم و در هر دو حوزه عقب‌نشینی داشتیم.» وی تاکید کرد: «طبق آمارهای رسمی شرکت راه‌آهن ایران، به‌طور متوسط در شش‌ماهه اول ۱۲درصد در بخش حمل بار داخلی و ترانزیت افت داشتیم.»

### نماینده مجلس:
## اگر دولت برنامه‌ای برای کاهش تورم ندارد، بگوید

ذاکر، نماینده ارومیه: در یک ماه گذشته ۲۰ میلیون بر قیمت پراید افزوده شده است، قیمت اقلام خوراکی نیز افزایش یافته است. برای کاهش نرخ ارز، سکه و تورم چه برنامه‌ای دارید؟ آیا مردم اسلام آباد و علی آباد مسئول کاهش و مدیریت قیمت و بازار هستند یا شما؟

اگر برنامه‌ای برای کاهش قیمت‌ها ندارید بگویید مردم بدانند و اگر برنامه‌ای دارید هر چه زودتر دست به کار شوید./ تسنیم

## سکته قلبی با حدود ۲٤ هزار مورد در رده اول مرگ زودرس

کارشناس اداره قلب وزارت بهداشت:

میزان مرگ ناشی از ۵ علت اول مرگ در ۱۰۰ هزار نفر، سکته قلبی با حدود ۹۳ درصد در رتبه اول است. احتمال خطر مرگ زودرس یعنی بین ۳۰ تا ۷۰ سال ناشی از چهار بیماری مهم غیر واگیر قلبی و عروقی، مزمن تنفسی، دیابت و سرطان حدود ۴ درصد است.

بررسی ها نشان می دهند که تعداد مرگ زودرس ناشی از پنج علت اول مرگ در افراد ۳۰ تا ۷۰ سال، سکته قلبی با ۲۴هزار و ۹۵۹ مورد در رده اول، سکته مغزی با ۹۳۰۰ و حوادث ترافیکی با ۹۱۷۸ مورد در رده های بعدی قرار گرفته اند./ باشگاه خبرنگاران

### سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام:
## اخراج، دستگیری و تعلیق دانشجویان اشتباه محض است

حضور دهه هشتادی‌ها و مطالبات آن‌ها به یک واقعیت برجسته در عرصه عمومی کشور بدل شده است. هیچ‌کس نمی‌تواند نقش آن‌ها را انکار کند. به مکانیسم خاصی نیاز است که بتوان از حضور آن‌ها استفاده کرد و صدای آن‌ها را شنید. در کل گفتگو با جوانان اصل است. با دانشجویان باید گفتگو شود و خواسته‌های آنان را پاسخ گفت.

اما این روزها خبرهای تلخی درباره ممنوع‌الخروج کردن، اخراج، جرایم شدید و... دانشجویان شنیده می‌شود. این روند سلبی نتیجه‌بخش نیست. اخراج، دستگیری و تعلیق دانشجویان اشتباه محض است. با دانشجو باید نشست و گفتگو کرد. برخورد با دانشجویان، ورزشکاران، هنرمندان و... نتیجه عکس دارد.

### رئیس اتاق بازرگانی بوشهر:
## صدور بخشنامه‌های پی درپی به فضای کسب و کار بوشهر آسیب زده است

رئیس اتاق بازرگانی بندر بوشهر گفت: صدور بخشنامه‌های پی درپی با فاصله زمانی کوتاه آسیبی جدی برای بهبود فضای کسب و کار در این استان است که باید در چنین شرایطی اطلاع رسانی لازم انجام شود.

خورشید گزدرازی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: مطابق با ماده ۲ و۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار دولت مکلف است قبل از صدور هر بخشنامه اقتصادی نظرات تشکل‌های اقتصادی از جمله اتاق بازرگانی را جویا شود که این امر انجام نمی‌گیرد یا در پاره‌ای از موارد به صورت جزیی اجرا می شود. به منظور شفافیت در رویه‌های اقتصادی دولت باید هر گونه تغییر در این بخش را مطابق با ماده ۲۴ قانون بهبود محیط کسب و کار از قبل به اطلاع فعالان اقتصادی برساند تا خللی در روند فعالیت صادر کنندگان ایجاد نشود.

گزدرازی ادامه داد: استفاده نکردن از نظرات بخش خصوصی در صدور بخشنامه و آیین‌نامه‌ها باعث ایجاد اخلال در فعالیت صادرکنندگان شده است که نمونه آخر آن در مورد عوارض صادرات گوجه فرنگی بود.

وی اظهار کرد: موضوع عوارض گوجه فرنگی در پنجاه و هفتمین نشست شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان بوشهر در شهریورماه امسال مطرح و مراتب اعتراض کشاورزان و صادر کنندگان به وزیر جهاد نیز اعلام شد.

گزدرازی گفت: همچنین در مورد عوارض نیم درصد آب مجازی نیز که باعث اختلال در صادرات آبزیان شده است پیگیرهای مکرری انجام گرفت و حتی در نشست با اعضای کمیسیون کشاورزی و اصل ۴۴ مجلس موضوع مطرح شد اما تاکنون این عوارض که ارتباطی به صادرات میگو پرورشی استان بوشهر ندارد، لغو نشده است.

رئیس اتاق بازرگانی بوشهر گفت: مطابق احکام دائمی برنامه‌های توسعه وضع هر گونه عوارض بر صادرات ممنوع است مگر در مورد محصولاتی که یارانه دریافت می کنند.

گزدرازی با اشاره به مسائل و مشکلات بخش کشاورزی استان بوشهر و صادرات محصولات این حوزه گفت: حمایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مدیران ارشد استانی و کشوری برای حل مشکلات بخش کشاورزی و صادرات محصولات موضوعی مهم است که باید به صورت ویژه دنبال شود. کشاورزی و شیلات از بخش‌های مهم در توسعه اقتصادی این استان بوشهر است که اتاق بازرگانی پیگیر برطرف کردن موانع صادراتی این حوزه است. در کنار تجارت و بازرگانی، خرما ، گوجه و آبزیان از ظرفیت‌های بسیار خوب صادراتی استان بوشهر به شمار می روند که لازم است با ایجاد تعامل و زیرساخت‌های مورد نیاز شاهد توسعه صادرات محصولات استراتژیک این استان باشیم.

### هشدار روزنامه اصولگرا:
## با همه وعده هایی که بعد از ناآرامی ها داده شد هیچ قدمی برای اصلاح امور برداشته نشد

روزنامه فرهیختگان نوشت:

– تمام آشوب‌های پرهزینه سه ماه اخیر به خاطر چالش ساختاری‌ای به نام گشت ارشاد آغاز شد. چالشی که اگرچه صرفا بهانه بود و بدون آن‌هم جبهه آشوب‌طلبان بهانه‌ای دیگر برای خود می‌تراشید اما به‌هرحال تا زمانی که این چالش حل‌نشده باقی بماند مانور نمایشی آزادی نیز روی بستر آن برگزار خواهد شد.

– اگرچه عملا خودروهای گشت ارشاد دیگر در خیابان حضور ندارند اما هنوز کسی نسبت به چگونگی فعالیت پلیس امنیت اخلاقی در روزهای پساآشوب اعلام موضع نکرده است، همان‌طور که کسی نسبت به آینده شبکه‌های اجتماعی خارجی در دوران پساآشوب اظهارنظر دقیقی نکرده است.

–می‌توان آینده را این گونه پیش‌بینی کرد: تا زمانی که موضوعی تبدیل به بحران نشود دستورکار اصلی پاک کردن صورت‌مساله و فرار از مطالبه افکارعمومی است. دستورکاری که نتیجه آن را می‌توان در قانون معیوب حجاب دید.

– علی‌رغم وعده‌های مکرر برای اصلاح قانون اما هنوز هیچ طرح و لایحه اصلاحی توسط مجلس و دولت ارائه نشده است.

– این رویه اساسا وجود عزمی برای اعمال اصلاحات ساختاری را با ابهام مواجه کرده و وعده ایجاد بستر گفت‌وگو برای شنیدن اعتراضات را نیز شعاری جلوه می‌دهد.

–شعاری که شاید مدتی به فروکش کردن التهابات کمک کند اما با بستن روزنه‌های امید به اصلاح ساختاری در بلندمدت اعتراضات شدیدتری را شکل می‌دهد.

## تورم به ۵۰ درصد می‌رسد؟

حاتمی، کارشناس اقتصادی: دولت بودجه ندارد، پس پول چاپ می کند

همچنین اوج افزایش نقدینگی سه ماهه آخر سال است

در نتیجه احتمالا تورم امسال به ۵۰ درصد برسد.

## احضار مدیر یک فروشگاه زنجیره‌ای به دلیل مشتریان بدون حجاب

در صورت کشف حجاب مشتری داخل فروشگاه، باید بیرون شود.

بنا بر گزارش وبسایت ستاد امر به معروف، «در پی کشف حجاب تعدادی از بانوان در یک فروشگاه زنجیره‌ای در همدان و برخورد توهین‌آمیز نسبت به آمر به معروف و همچنین سهل‌انگاری و عدم رسیدگی پرسنل حراست فروشگاه مورد نظر به شکایت آمر به معروف، بنابر وظیفه حمایتی ستاد از آمران به معروف و ناهیان از منکر، مدیر و مسئول حراست فروشگاه به ستاد امر به معروف و نهی از منکر همدان فراخوانده شدند.

### سعید حجاریان:
## فوتبال غایب بود

سعید حجاریان، تئوریسین اصلاح‌طلب با انتشار یادداشتی درباره دیدارهای تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۲ نوشت: «واقعیت آن است آن چه در این میان غایب بود، بازی فوتبال بود که اساساً خالی از اهمیت و معنا شده بود. رصد ضمنی محتوای فضای مجازی/حقیقی هم از انواع دوگانگی‌ها و پرسش‌ها بر سر موضوعاتی از این دست حکایت می‌کرد: آیا پیروزی تیم ملیِ ایران موجب خرسندی است یا خیر؟ آیا اخلاقاً شادی جمعی در غم ملی رواست یا خیر؟ و پرسش‌هایی از این دست. وضعیت تیم ایران را می‌توان با وضعیت رقبای‌اش مقایسه کرد که هیچ‌یک از درگیری‌های عینی و ذهنی پیش‌گفته را نداشته و ندارند. از قضا عوامل فوق‌الذکر موجب تقویت روحیه تیمی آنها بود؛ فارغ از این که نتیجه یکی از بازی‌ها برای ایران متفاوت شد. اما چنین وضعیت‌هایی چرا حادث می‌شوند؟ تصورحکمرانی کشور این بوده که ایدئولوژی می تواند بدیلی برای ملی گرایی باشد حال آن که این پروژه اثر معکوس داشته است.»

### عباس عبدی:
## از ابتدا دیدار بازیکنان تیم ملی فوتبال با رئیس‌جمهور اشتباه بود

عباس عبدی در روزنامه اعتماد نوشت: از ابتدا بردن بازیکنان به دیدار رییس‌جمهور اشتباه بود. البته در شرایط عادی چنین دیداری مشکلی نداشت و شاید در دفعات قبل هم بود، ولی برنامه‌ریزان سیاسی باید توجه می‌کردند که این دیدار در شرایط اعتراضی کشور می‌تواند به منزله بهره‌برداری سیاسی تلقی شود و ماجرای فوتبال را از یک اتفاق ملی به سوی یک رویداد سیاسی آن هم در شرایط اعتراضی سوق دهد.

سیاست رسمی در این مورد، برد نداشت، چون اگر هم پیروز می‌شدید و عده‌ای را در داخل شکست سیاسی می‌دادید، شکست خودتان هم هست. اینها فرزندان این کشور هستند، چه سودی از جناحی شدن یک برد فوتبالی برای حکومت و سیاست رسمی متصور است، مگر این که به وحدت و انسجام ملی منجر شود. رفتار رسمی در ماجرای این مسابقه این تصویر را به ذهن متبادر کرد که تصمیم‌گیران مستاصل و دنبال آویزان شدن به یک پیروزی ولو موقتی در ورزش هستند./ اعتماد

## عوامل ایجاد کننده وضعیت اخیر

حمیدرضا جلایی‌پور، درباره مسائل مطرح‌شده نشست اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با وزیر کشور گفت: «درباره عوامل به‌وجودآورنده این وضع به همزمانی چهار عامل اشاره کردم. اگر این چهار عامل همزمان فعال نبودند، شاید کیفیت اعتراضات تغییر می‌کرد. عامل اول این است که «حکومت هدایتی» ایران چهار دهه هست که از بالا دارد مهندسی فرهنگی می‌کند تا جامعه و مردم را بر تراز ایدئولوژی مورد نظرش قالب‌ریزی کند. عامل دوم انحصاری‌تر شدن حکومت است. هرچه حکومت با مکانیزم نظارت استصوابی محدودتر شده، جامعه اعتراضی‌تر شده. هرچه در انتخاب مردم محدودیت ایجاد شده و هرچه در صندوق‌های رای اخلال ایجاد شد، خیابان‌های ایران اعتراضی‌تر شدند. عامل سوم گسترش فقر، بیکاری و تورم (یا دست در جیب‌مردم کردن) است. به‌خاطر تداوم تحریم‌ها و این که ایران نمی‌تواند در بازار جهانی نقش مولد داشته باشد، رشد اقتصادی ایران نزدیک به صفر بوده است. عامل چهارم سیاست خارجی پرهزینه است. سیاست خارجی نامتوازن فعلی دشمنان ایران را فعال‌تر کرده است.»

## گفتار درمانی با نرخ تورم

**الهه ابراهیمی:** وعده‌های انتخاباتی سیدابراهیم رئیسی، همانند سایر وعده‌های انتخاباتی گویا شعاری بیش نبود. مصادیق زیادی برای اثبات این امر می‌توان نام برد. با این حال انصاف حکم می‌کند با توجه به شرایط تحریمی کشور به دولت مردمی و مورد تایید حاکمیت فرصت بیشتری داد. شاید لازم باشد میزان تحقق وعده‌ها را که عمدتا اقتصادی بوده در پایان سال دوم دولت سیزدهم مورد ارزیابی قرار داد. هرچند در برنامه انتخاباتی، بازه زمانی، هر شعاری به‌طور سالانه تعیین شده است. اما در این میان آن چیزی موجب شده تا دولت کنونی در بوته نقد قرار گیرد، اظهارات و ادعاهای مسئولان امر است. ادعاهایی که به‌سادگی می‌توان آنها را بررسی و رد کرد؛ اما اصرار مسئولان دولتی و پافشاری بر این ادعاهای آماری، جای تامل دارد و می‌تواند در نهایت بی‌اعتمادی به دولت را در حوزه آماری در کنار سایر مباحث اجتماعی تشدید کند. سفره‌های کوچک‌شده مردم در طول یک‌سال گذشته به خصوص از زمانی که اصلاحات اقتصادی در اردیبهشت‌ماه امسال اجرایی و عملیاتی شد، قابل کتمان نیست و نشان‌دهنده این مهم است که دولت در مهار تورم و کنترل قیمت‌ها و حفظ ارزش پول ملی موفقیت چندانی نداشته است. بر اساس آخرین آمار منتشرشده از سوی مرکز آمار، نرخ تورم در آبان ماه امسال ۴۴ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماهه شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات مصرفی خانوارهای کشور ۶۱,۳ درصد اعلام شد. آماری که در سال گذشته ۵۹,۶ درصد بود. طبق اعلام رسمی مرکز آمار ایران، تورم سالانه در شهریور ۱۴۰۰ یعنی در شروع دولت ابراهیم رئیسی ۴۵,۸ درصد بوده است؛ بنابراین دولت فقط دو درصد و نه ۲۰ درصد توانسته است نرخ تورم را کاهش دهد. حال با وجود انتشار این آمار، سخنگوی دولت در ادعایی تکراری اعلام کرد که تورم از ۶۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافته است. او حتی از رسانه‌ها خواست «این کاهش نرخ تورم را یک بار تیتر کنند زیرا گناهی ندارد که یک وقتی مردم را شاد کنیم.» پیش از این نیز محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور با استناد به آمار بانک مرکزی نرخ تورم را کاهشی اعلام کرده بود. با استناد به این اظهارات نرخ تورم در شهریورماه سال گذشته با وجود ارز ترجیحی ۵۹ درصد بود که این درصد با حذف ارز ترجیحی به ۳۹,۵ درصد کاهش یافته است.

سال‌هاست که بانک مرکزی درباره نرخ تورم آماری ارائه نمی‌دهد و براساس مصوبه شورای عالی آمار، مرجع رسمی اعلام آمار رشد اقتصادی و تورم، مرکز آمار ایران است. اما دولت برای اثبات ادعای خود منبع آماری اعداد اعلام‌شده را بانک مرکزی اعلام کرد. براین اساس می‌توان گفت این رویه دولت و به عبارت ساده‌تر آمارسازی دولت نوعی سرپوش نهادن بر ناکامی وعده ابراهیم رئیسی در تک‌رقمی کردن تورم است. این اظهارات از سوی دولت را می‌توان نوعی گفتاردرمانی از سوی مسئولان دانست اما بازی با اعداد در فضای کنونی کشور باری از مشکلات اقتصادی مردم نخواهد کاست. به ویژه اینکه در حال حاضر شاهد اعتراضاتی از ۲۵شهریورماه با رویکرد اجتماعی هستیم که به اعتراف بسیاری از کارشناسان ومسئولان ریشه‌های اصلی وجدی آنها به مشکلات اقتصادی ونارضایتی‌های ناشی ازتورم وگرانی‌ها مربوط می‌شود. بدون تردید برای مردم آن چیزی که اهمیت دارد این است که متناسب با درآمدهای ماهیانه بتواند نیازهای اولیه و مورد نیاز را تامین کنند. در این شرایط گفتاردرمانی از سوی مسئولان فرار روبه‌جلویی بیش نیست درحالی‌که انتظار می‌رود با یک‌دست‌شدن حاکمیت و حذف جریان سیاسی رقیب، و رفع موانع بین‌المللی و احیای برجام و لغو تحریم‌ها فضای کسب‌وکار بهبود یابد و حتی شاهد رشد اقتصادی باشیم. متاسفانه در این میان آن چه شاهد هستیم این است که دولت در سایه، بیش از دولت کنونی در تصمیمات سیاسی و دیپلماسی موثر بوده؛ از این‌رو در مدت یک‌سال گذشته دولت قادر نبوده با وجود همراهی هم‌جانبه مجلس در بخش اقتصادی، گامی مثبت بردارد تا گره‌های کور اقتصادی یکی بعد از دیگری باز شود. / هم میهن

## تحول فرهنگی چنددهه اخیر در حوزه زنان

**دکتر بهاره آروین – استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس**

حرکت اعتراضی اخیر که شعار محوری آن «زن، زندگی، آزادی» بود، به نظر من جنبش خلق‌الساعه‌ای نبود. من این حرکت را حرکتی می‌دانم که برآمده از یک تحولات پایدار و تدریجی اجتماعی است و تغییرات اجتماعی را تسریع می‌کند. بدین‌معناکه محوریت مطالباتش و آنچه برایش تلاش می‌کند تا اندازه‌ای هم محقق شده بود. آن چیزی که امروز این حرکت مطالبه می‌کند، در حال محقق شدن بود، کما اینکه تعدادی از افراد در ماشین حجاب نداشتند و این به اندازه‌ای گسترده بود که بخش‌هایی که به اجرای قانون اصرار داشتند، مکانیزم جریمه و توقیف ماشین را تهیه کرده بودند که از گسترش آن جلوگیری کنند که نشان می‌دهد این بی‌حجاب بودن در ماشین گسترده بود و به صورت موردی و معدود نبوده است. براین مبنا به نظرم مهم است که این حرکت را پایه‌گذار تغییرات بدانیم یا تسریع‌کننده، که به نظر من تسریع‌کننده تغییرات اجتماعی است.

دومین نکته این است که مطالبات دیگری از جمله مطالبه تغییر بنیادین نظم سیاسی موجود به حرکت «زن، زندگی، آزادی» وصل شدند، اما به نظر من محوریت این حرکت، اجتماعی و فرهنگی و مبتنی بر رفع محدودیت‌های سبک زندگی است.

می‌توان در باب محوریت حرکت «زن، زندگی، آزادی» بحث کرد که اگر این جریان بر محوریت رفع محدودیت سبک زندگی بنا شده است، این سه‌گانه زن، زندگی، آزادی در آن به چه معناست. به خصوص مسئله زن بودن که اولین تکیه‌گاه این شعار است، بیراه و تصادفی نیست. به نظر می‌رسد که زنان در این بازپس‌گیری حوزه فرهنگ و رسانه، نقش اصلی را خواهند داشت و این نقش اصلی، به شکل متناقض‌نمایی پیامد ناخواسته خود انقلاب اسلامی و نظام سیاسی است. ما با انقلاب اسلامی، تحول فرهنگی در حوزه زنان داریم که وجوه آن فقط به حجاب اجباری و قوانینی که بر مدیریت‌های حضور زنان در عرصه عمومی است، منحصر نمی‌شود. وقتی ما بازنمایی تصویر زن در رسانه و فیلم‌ها و سریال‌های پیش از انقلاب را می‌بینیم، زن به شکل خاصی در حوزه عمومی وجود دارد؛ من فکر می‌کنم تمام زنان مبارز در انقلاب ۵۷ اعم از زنان مبارز در گروه‌های چپ و غیره، کم‌وبیش از حوزه محذوفان حوزه رسانه و فرهنگ در زمان پهلوی بودند. انقلاب اسلامی این امکان را برای حضور متفاوت زن در عرصه عمومی فراهم کرد و البته این عرصه چون به لحاظ فرهنگی عرصه خطرناکی محسوب می‌شد، این شعار که می‌گفتند حجاب مصونیت است نه محدودیت، برای این بود که این عرصه عمومی که قرار بود زنان وارد آن شوند، برای بسیاری از خانواده‌ها عرصه‌ای بود که به آن اعتماد نداشتند، بنابراین به شکل متناقض‌نمایی هم زنان وارد عرصه عمومی شدند که در نتیجه آن ورود دختران به دانشگاه‌ها و تحول فرهنگی منتج از آن را می‌بینید و هم محدودیت‌های متعددی بر این حضور در عرصه عمومی بار شد. یک انقلاب اجتماعی است که باعث می‌شود این تحول فرهنگی در کمتر از دو دهه رخ دهد وگرنه برای چنین تغییراتی نیم قرن و چه‌بسا بیشتر زمان لازم است و یک انقلاب اجتماعی مثل انقلاب ۵۷ است که آن را تسریع می‌بخشد.

به‌هر حال، حضور زنان در عرصه عمومی اتفاق افتاد و محدودیت‌ها بر آن بار شد، این محوریت در حرکت اخیر در واقع تبعات همین حضور زنان و نقش‌آفرینی مهم زنان است که از انقلاب اسلامی شروع شده و الان دارد به نهایت منطقی خودش می‌رسد. این یک تحول است و از قضا به‌رغم ناهمسویی این تحول با ایدئولوژی مسلط، دولت در برابر تغییرات تدریجی ناگزیر منتج از آن کوتاه آمد و می‌توان مثال‌هایی زد که دولت به تدریج عقب‌نشینی کرده است. من چهار مثال در این زمینه می‌زنم که به آن بی‌توجهی شده که تغییرات اجتماعی رخ داده و نظام سیاسی از استانداردهای اولیه، عقب‌نشینی کرده است. یکی از اینها، روابط دختر و پسر است. یک زمانی در دهه ۶۰ ماشین مردم را نگه می‌داشتند و می گفتند نسبت آقا و خانمی که در ماشین حضور دارند، چیست. الان در عرصه‌های مختلف در حوزه عمومی، دختران و پسران نشسته‌اند و گفت‌وگو می‌کنند و دیگر کسی نمی‌پرسد چه نسبتی با هم دارند، مگر در موقعیت‌های خاصی باشد که آنجا هم شکل دیگری پیدا کرده است و مثلا می‌گویند نامزد هستیم و خانواده‌ها در جریان هستند و به نظر می‌رسد واگذاری مدیریت این حوزه به خانواده‌ها از سوی مسئولان پذیرفته شده است. دومین عرصه، به‌نظرم عرصه پرچالش زنان در خانواده در قالب قانون مدنی است. اما از یک جایی، یک رویه قانونی در قالب وکالت حق طلاق نهادینه شده است که مثلا در کمتر از یک ماه زن بتواند طلاق بگیرد. سومین موضوع هم امکان فرزندخواندگی دختران مجرد بالای ۳۰ سال است؛ شما وقتی مشروح مذاکرات را نگاه می‌کنید می‌بینید که مخالفان حیرت‌زده هستند که این متزلل کردن نهاد خانواده است. جالب است که به این تحول تن داده شده است. چهارمین مورد هم پذیرش سبک زندگی مبتنی بر تجرد زنانه در شهرها است که تحول قدرتمندی است و تا دو دهه پیش به‌هیچ‌وجه پذیرفته‌شده نبود. تغییر اجتماعی جای خودش را باز کرد و به‌رغم ناهمخوانی با ایدئولوژی، مقاومتی نشده است.

حرکت «زن، زندگی، آزادی» تسریع‌کننده این تغییرات تدریجی است. این منازعه در حوزه نمادین شکل مسلط خودش را دارد اما این حرکت چه بخواهیم و چه نخواهیم نوعی رادیکالیسم دارد. اما من این طور فکر نمی‌کنم، شاید اگر پس‌زمینه‌های سیاست خارجی وجود نداشت، این جریان شکل سیاسی به شکل فعلی‌اش نمی‌گرفت ولی به‌هرحال و به دلایلی این حرکت اجتماعی جهت‌گیری سیاسی پررنگی پیدا کرده است.

درباره آینده این حرکت، ما سناریو می‌دهیم و پتانسیل‌ها را نگاه می‌کنیم. من فکر می‌کنم این حرکت، این پتانسیل را دارد که نقطه‌عطفی باشد در تاریخ تحولات ایران؛ بدین‌شکل که یک حرکت اجتماعی عقب‌نشینی دولت نسبت به تغییرات اجتماعی را بسیار تسریع کند. در عرصه تحولات تاریخی که تغییرات تسریع‌شده در پاسخ به حرکت اجتماعی باشد، کمتر شاهد بوده‌ایم. اصل اتفاق هم در عرصه‌ای می‌افتد که عرصه نمادین است، به نظرم هنر و ورزش عرصه‌هایی هستند که این حرکت در آن ادامه حیات خواهد داد، این حوزه‌ها در تمام سال‌های بعد از انقلاب بیشتر از هر حوزه‌ای از محدودیت‌های نمادین تاثیر گرفته‌اند. به این علت است که هنر و ورزش جلودار هستند.

این جریان پتانسیل این را دارد که محدودیت‌های نمادین در عرصه فرهنگ و رسانه را بردارد. درواقع، این حرکت پتانسیل این را دارد که در ۵ الی ۱۰ سال آینده محدودیت‌ها در عرصه فرهنگ و رسانه را کنار بزند و به سمت حداقلی کردن ببرد. البته این جریان پتانسیل این را هم دارد که در قالب یک حرکت سیاسی رادیکال مصادره شود، اما در مجموع من فکر می‌کنم پتانسیل‌ها برای توفیق این حرکت در رفع محدودیت‌های سبک زندگی به‌تدریج در ۵ تا ۱۰ سال آینده محقق شود./ هم میهن

## سیستم VAR و سیستم مدیریت جامعه

**امید پورمصطفی**

– چند سالی است که سیستمی در داوری فوتبال به کار گرفته می شود که به اختصار VAR نامیده می شود. کارکرد این سیستم کمک به داوری درست و عادلانه در فوتبال است تا تصمیمات داوران با واقعیت جاری در میدان و عدالت نزدیکتر باشد و احیانا اگر صحنه ای مهم به سود یا به ضرر تیمی وجود داشته و از چشم داور پنهان مانده یا داور در تشخیص یا اعلام درست نظرخود تردید یا اشتباه دارد، سیستم به کمک او بیاید.

البته در برخی ورزشهای دیگر مانند کشتی و والیبال نیز سیستمهای مرور و بازگشت صحنه در داوری موثرند اما VAR در فوتبال شهرت و اهمیت فراوانی یافته است.

– مدیریت در جامعه نیز شبیه تصمیمات داوران است. تصمیمات نهادهای گوناگون قانون گذار و سیاست گذار شبیه رفتار داوران است و مجموعه جامعه در حکم بازی کنان تیمها. هرگونه قانون گذاری، تصمیم گیری و تصمیم سازی از چشم جامعه دور نمی ماند. درستی این امور به جریان سالم و روان زندگی کمک می کند و نادرستی سیاستها، قوانین و تصمیمات در ایجاد مشکلات، سختی زندگی و ناامیدکردن مردم تاثیر فراوان دارد.

مجموعه حکمرانی و سیستم مدیریت کشور از جانب مقامات و نهادها باید با موازین عدالت سازگار باشد. اما در جاهایی که نیست و منجر به بروز مشکل و بحران می شود ناشی از رفتار نادرست داوران (در اینجا مدیران و مقامات و نهادهای حاکم) است و باید در سیستم VAR جامعه مورد بازبینی قرار بگیرد.

– اما VAR جامعه چیست؟

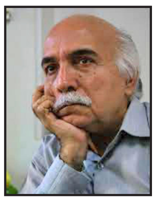
مطبوعات آزاد، احزاب، صاحب نظران و فعالان سیاسی و اجتماعی، نهادهای مردمی و تشکلهای مدنی در حکم این سیستم هستند که با نقد و تحلیل و برخورد علمی و مطابق با عینیت جامعه نسبت به تصمیمات نادرست واکنش نشان می دهند و مانع از اعمال بی عدالتی می شوند. همان گونه که نبود سیستم VAR باعث اشتباه در داوری و گاهی تصمیمات غلط و تضییع حق تیمها و بازی کنان می شود طبعا نبود این سیستم در جامعه یا جلوگیری از کارکرد آن، به بروز اشتباهات، بی عدالتی و در نتیجه نارضایتی و خشم جامعه منجر می شود.

مدتهاست که نهادها و مدیران حوزه فوتبال به بهانه نبود بودجه یا فراهم نبودن ساختارها در خرید و به کارگیری این سیستم امروز و فردا می کنند و سالهاست که نهادهای حاکمیتی در کنترل، توقیف و مهار سیستم VAR جامعه می کوشند.

واقعیت امروز جامعه وجود و لزوم کارکرد این سیستم را بیش از پیش نشان می دهد.

# خصوصیات شعر فارسی درقرن چهارم هجری

به کوشش حسین حشمتی



قرن چهارم هجری را بایدیکی از بهترین دوره های ادبی زبان فارسی دانست، در نیمه دوم قرن سوم هجری یعنی در همان اوان که شعرعروضی پارسی نخستین مراحل حیات خودرا می پیمود و چون کودکی نوخاسته افتان و خیزان پیش می رفت، یکی از نوابغ بزرگ ادب فارسی یعنی رودکی سمرقندی (متوفی به سال۳۲۹هجری) ولادت یافت و تمام قسمت اول حیات خود را در این قرن گذراند و تربیت شد و چون به آغاز قرن چهارم رسید مرتبتی یافت که به قول ابوالفضل بلعمی او را در عرب و عجم نظیر نبود، بیست ونه سال اول قرن چهارم، دوره استحصال رودکی از زحماتی بودکه درآغاز حیات خود یعنی در اواخر قرن سوم کشید.

رودکی شعر فارسی را از حالت ابتدایی و ساده خود بیرون آورد. در انواع مضامین و اقسام مختلف ازقبیل، قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و ترانه وارد شد و از همه آنها پیروز بیرون آمد. به قولی که معقول تراست صد هزار بیت (صددفتر) و به قولی دیگر که قبول آن دشوار می نماید یک میلیون و۳۰۰ هزار بیت از خود به یادگارگذاشت،کتاب کلیله و دمنه رابه نظم فارسی درآورد، قصیده های بزرگ ساخت، غزل های لطیف که عنصری هم خود را در برابرآنها عاجزمی یافت، سرود. رودکی سخنی شیرین،کلامی لطیف و طبیعی و خالی ازهرگونه اشکال دارد و اگر از کهنگی زبان و لهجه ی اوکه نسبت به ما امری طبیعی و نتیجه گذشت ۱۰قرن ونیم است بگذریم باید سخن اورا به همان اندازه ساده و سهل بدانیم که سخن فردوسی و سعدی را، به هر حال، رودکی "پدر شعر فارسی است" و در این امرخلافی نتوان کرد و از همین جاست که شاعران بعد از وی، او را استاد شاعران و سلطان شاعران لقب داده اند.

در همان سال که ستاره نبوغ رودکی از آسمان ادب فارسی افول می کرد درخشان ترین ستاره شعر و هنر یعنی فردوسی پای در مطلع حیات نهاد(۳۲۹هجری) و چنان که در ادامه خواهد آمد با آغاز دوره شاعری این آزاد مرد، شعر پارسی به کمال رسید.

تهنیت بادا که در مُلک سخن
چون شکوفه فوت شد نوبر بزاد

در اواخر حیات رودکی و بعد از او شاعران دیگری هم در دربار سامانی و در خراسان ماوراء النهر تربیت می شدند و توجه سلاطین سامانی بدانان باعث پیشرفت کار ایشان تکثیر نظایر آنان بود به حدی که قرن چهارم ارحیث کثرت شعر و شاعر قرن کم نظیری است. از مشاهیرشعرای ایران در این دوره غیر از رودکی، ابوالحسن شهید بلخی، ابوذراعه معمَری



جرجانی، فرالاوی، ترکی کشی ایلاقی، خسروی سرخسی، خسروانی، منجیک ترمذی، ابوالموید بلخی، ابوشکور بلخی، دقیقی، فردوسی، ابوالفرج سگزی،کسائی و چند تن دیگر هستند. شعرای معتبر دیگری هم که دوره شُهرتشان اوایل قرن چهارم است همچون فرخی (متوفی به سال۴۲۹هجری) و عنصری (متوفی به سال۴۳۱ هجری) قسمت اعظم عمر خود را در قرن چهارم گذرانده در حقیقت تربیت شده قرن چهارمند، فردوسی را نیز مطلقا باید شاعر قرن چهارم شمرد زیرا اثر بزرگ و معروف و منحصر او در اولین سال قرن پنجم پایان یافت و پس ازآن چیزی از او در دست نیست و وفات او همچنان که می دانیم در ۴۱۱ یا ۴۱۶ اتفاق افتاده است. در دوره سامانی چندین منظومه بزرگ ازقبیل کلیله و دمنه رودکی، آفرین نامه ابو شکور، شاهنامه مسعودی مروزی،گشتاسب نامه دقیقی، شاهنامه فردوسی، سروده شد از این میان شاهنامه فردوسی تاج ادبیات فارسی و یا خود تاج افتخار نژاد ایرانی است.

فصاحت، سادگی، مضامین تازه و بکر، توجه به طبیعت، طبیعی بودن تشبیهات، توصیفات طبیعی و منطبق بر عالم خارج، سعی در جستن مطالب تازه و بدیع و متنوع، عدم به کارگیری اصطلاحات علمی در شعر، خالی بودن شعر از کلمات مشکل عربی وحتَی کم بودن لغات عربی، حفظ بسیاری از لغات کهنه لهجه دری،کوتاه بودن اوزان و بحور شعر، از خصایص شعر فارسی قرن چهارم است. کمترین آشنایی با لهجه کهنه قرن چهارم خواننده را در فهم زیبایی و فصاحت معجزه آسای اشعار این عهدیاوری خواهدکرد. بزرگترین نماینده شعر این دوره فردوسی است و ابیات غرَای اوبی تردید بهترین نمونه فصاحت زبان دری است تا به جایی که قرن چهارم تنها با داشتن شاهنامه می تواند بر زبان فارسی حکومت کند و منشا هرگونه اصلاحی در این زبان و دور داشتن آن از افراط وتفریط های متأخران گردد.

در شعرفارسی قرن چهارم به ندرت و به زحمت می توان اثر یاس نومیدی یافت. شعراین دوره پُراست از نشاط روح و غُرور ملَی و اندیشه حماسی و خوش بینی وآزادمنشی، و از این روی باید آن را آینه تمام نمای روح و اندیشه واقعی ایرانی دانست یعنی اندیشه و روحی که هنوز چنان که باید مقهور عوامل غیر ایرانی نشده و استوار بر جای مانده است.

منبع: کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی، صفحات۱۵۵تا۱۵۷ اثر ارزشمند استاد دکتر ذبیح الله صفا.

## فرار کی‌روش از پاسخگوئی در قبال حذف ایران

نکته جالب توجه در مورد کارلوس کی‌روش این است که سرمربی تیم ملی بدون پاسخگویی به سوالات خبرنگاران در یک کنفرانس خبری و یا یک برنامه تلویزیونی پیرامون عملکرد تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۲ تهران را ترک خواهد کرد. آن هم در جام جهانی‌ای که از بین ۵ تیم آسیایی سه تیم به دور بعد صعود کرده اند. استرالیا، کره جنوبی و ژاپن با وجود قرار داشتن در گروه‌های سخت موفق به صعود به دور بعدی بازی‌ها شده‌اند و از بین تیم‌های آسیایی حاضر در جام جهانی این دوره تنها ایران است که بعد از ۶ دوره حضور در جام جهانی موفق به صعود به دور بعدی بازی‌ها نشده است.

شکست یک بر صفر تیم ملی در برابر آمریکا که منجر به عدم صعود ایران به دور بعدی مسابقات شد، خیلی از سوالات را در ذهن به وجود آورده است. چرا تیم ملی دراین مصاف همانند دیدار با ولز بازی نکرد؟ چرا خط دفاعی ایران در این مسابقات دستخوش تغییر شد؟ چرا کارلوس کی‌روش در جناح چپ خط دفاعی از سه بازیکن استفاده کرد؟ در حالی که در بازی آخر مشخص شد، ابوالفضل جلالی می توانست مهره کارآمدتری به نسبت میلاد محمدی و احسان حاج صفی برای تیم ملی باشد، آیا نمی شد تیم در مصاف با آمریکا در نیمه اول همانند نیمه دوم بازی می کرد و به جای آمریکا ابتدا به گل می رسید؟ و سوالاتی از این دست که به نظر می رسد بدون پاسخ می ماند. در چنین شرایطی حداقل انتظار از فدراسیون فوتبال این بود که با بازگشت کارلوس کی‌روش به تهران یک کنفرانس خبری ترتیب می داد تا سرمربی تیم ملی در مورد عملکرد ایران در جام جهانی پاسخگوی سوالات خبرنگاران می بود اما ظاهرا قرار است کارلوس کی‌روش بدون پاسخگویی به سوالات خبرنگاران تهران را ترک کند.

منبع: ورزش سه

## جامعه میانجی ندارد

رئیس سابق مرکز رصد اجتماعی کشور گفته، مجموعه‌ای از عوامل هستند که باعث بی‌تفاوتی عموم مردم به اتفاقات مختلف شده است، به این صورت که اگر نسلی یا گروهی از جامعه اعتراض کنند، بقیه اقشار مداخله نکرده و حتی میانجیگری نیز نمی‌کنند تا اختلاف‌ها کاهش پیدا کرده و حل شود. به گزارش همشهری آنلاین، اردشیر گراوند با بیان این‌که یکی از مشکلات در اعتراضات اخیر، نبود گروه‌های میانجی بین دولت و ملت است، گفت: «بخش بزرگی از جامعه فعلی ما از میانجیگری دست کشیده است و در موضوعات مهمی مانند اعتراضات اجتماعی ساکت می‌مانند و به‌عنوان نیروی آشتی‌دهنده عمل نمی‌کنند.» او ادامه داد: «در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادی بسیاری به‌واسطه تحریم‌ها در کشور ایجاد شد و در پی آن ارزش‌های ذهنی و زندگی در کشور ما کاهش پیدا کرد. در این شرایط، خانوارها هزینه و درآمدشان به‌شدت ساقط شده و فشار این سقوط ارزش زندگی و افزایش هزینه‌ها قاعدتا خیلی سریع‌تر به فرزندان خانواده‌ها منتقل می‌شود.»

## مصوبه تجمعات ابطال شد

اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت حسن روحانی، در کانال تلگرامی‌اش درباره تلاشی که در دولت حسن روحانی برای تبیین نحوه برگزاری اعتراضات صورت گرفت، نوشت:«نه قدرت و نه صدای مردم را هیچ‌وقت نمی‌شود نادیده گرفت. به‌خاطر دارم چهارماه پس از تشکیل دولت دوم روحانی که در سال ۱۳۹۶ با حدود ۲۴ میلیون رای روی کار آمد، اعتراضاتی نسبت به گرانی شکل گرفت، باب این بحث در دولت باز شد. البته تورم در آن سال هنوز تک‌رقمی بود (۹درصد)، ولی به هر سبب، اعتراضاتی به‌وجود آمده بود. دولت در خردادماه ۱۳۹۷ تصویب کرد که براساس اصل ۲۷ قانون اساسی و به‌رسمیت شناختن حق اعتراض مردم، نحوه برگزاری اعتراضات و محل آن تعیین شود. «متاسفانه» دیوان عدالت اداری با شکایت افرادی این مصوبه را ابطال کرد. اگر این مصوبه اجرایی می‌شد شاید حداقل بخشی از حقوق ملت در قانون اساسی برجسته شده و طرح اعتراضات مردم در عرصه عمومی و ضرورت توجه به‌موقع مسئولان به آن‌ها را ممکن‌تر می‌ساخت. در این شرایط بود که فرصت سوءاستفاده بیگانگان گرفته می‌شد.»

## پیشنهادهای کارگزاران درباره زاهدان

حزب کارگزاران سازندگی ایران با اشاره به حوادث اخیر در سیستان‌وبلوچستان پیشنهاداتی را در جهت کاهش دامنه اعتراضات در این استان ارائه کرد. حزب کارگزاران سازندگی در این بیانیه آنچه در ششم مهرماه در زاهدان اتفاق افتاد را حادثه‌ای خواند که بنابر شواهد موجود هیچ‌کدام از دوسوی مناقشه انتظار آن را نداشتند و نیازمند دخالت فوری مسئولین عالی‌رتبه کشوری برای رسیدگی به خطای عاملان آن بود.

## تهدید جدید برای تولید و صادرات

در روزها و هفته‌های گذشته صنایع مختلف تحت تاثیر قطعی اینترنت دچار اختلالات بسیاری شدند، به‌طوری‌که طیف صنایع درگیر این موضوع بسیار متنوع بوده است. در این خصوص ناصر بیکی، رئیس اتاق اراک اظهار کرد: «سرنوشت تولید، صنعت و تجارت به شکل گسترده‌ای به اینترنت و فضای مجازی گره خورده است و می‌توان ادعا کرد که حیات این بخش به عنوان تأمین‌کننده رونق و رشد اقتصاد، در گرو اینترنت است. واقعیت این است که تولید و تجارت در دنیای کنونی، مرهون بهره‌گیری از فرصت‌های بازاریابی و تجاری، فرصت‌های توسعه تجارت، حضور در بازارهای رقابتی و مواردی از این قبیل است و هیچ‌یک از این موارد بدون استفاده از اینترنت محقق نمی‌شود یا تحقق آن دشوار است.

## بیشترین آمار طلاق در چهار سال نخست

انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری می‌گوید، بیشترین آمار طلاق در چهار سال نخست زندگی زوجین رخ می‌دهد و در ماه‌های آینده طرح مشاوره برای سال‌های زندگی زوجین تدوین خواهد شد. او ادامه داد: «همچنین مشاوره و آموزش در یک سال نخست ازدواج نیز باید مورد توجه قرار گیرد و مهارت‌های زندگی افزایش یابد و دولت یکی از محورهای اصلی سند تحول را خانواده‌محوری قرار داده و در همه قوانین، استحکام خانواده مورد تاکید است. در پشتیبانی از خانواده و تحکیم آن تسهیلات ازدواج، مسکن و دیگر تسهیلات نیز مورد توجه است، اما همه نیازمندی‌های زوجین مسائل اقتصادی نیست، بلکه امور مشاوره‌ای نیز نیاز است چراکه بسیاری از طلاق‌ها در سال‌های نخست زندگی صورت می‌گیرد که با مشاوره درست، بسیاری از اختلاف‌ها رفع می‌شود.»

## هشدار درباره کمبود ۲۰۰قلم دارو

رئیس هیئت‌مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت، با ارسال نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور، نسبت به کمبود حدود ۲۰۰ قلم دارو در آینده نزدیک هشدار داد. احمد توکلی در این نامه نوشته است: «دیده‌بان در ماه‌های گذشته نیز این موضوع را پیش‌بینی کرده و به مسئولان امر تذکر داده بود، اما به آن توجهی نشد. متن نامه رئیس کارگروه دارو و درمان دیده‌بان شفافیت و عدالت نیز در پیوست این نامه آمده است. جهت اطلاع جنابعالی الان حدود ۲۰۰قلم از اقلام دارویی درمعرض کمبود هستند که ۸قلم آن در مرحله بسیار پرخطر و مابقی در مراحل بعدی قرار دارند که اگر تدبیر نشود و در بر همان پاشنه بچرخد، کمبود آنها نیز به‌زودی بروز و نمود پیدا می کند. پس با تصمیم دولت، باید کل تولیدکنندگان این ۲۰۰قلم را تحت تعقیب و برخورد قرار دهید و مقصر اصلی را رها کنید. لذا تا دیر نشده است، تدبیر کنید.»

### به همین سادگی، فرصتی به این بزرگی از کف رفت

## ترسوئی به نام کارلوس کی‌روش؛ مقصر اصلی ناکامی ایران در جام جهانی

حال و روز فوتبال ملی ایران درست مثل ساختار این ورزش در کشور چندان خوش و خرم نیست. بعد از سال‌ها، در همچنان روی همان پاشنه قدیمی می‌چرخد و مسئولان نیز همچنان با دادن وعده‌های ریزودرشت به سرگرم کردن مخاطبان ادامه می‌دهند.
درست در روزهایی که تیم‌های برتر آسیا که فریب رنکینگ خوش آب و رنگ فیفا را نخورده‌اند و این روزها مشغول بازی در یک‌هشتم نهایی جام جهانی هستند، تیم ملی هم به خانه برگشته و اعضای آن، از بازیکنان تا کادر فنی و مدیریتی و رئیس فدراسیونش، بازی‌ها را از روی کاناپه دنبال می‌کنند و احتمالا تحلیلی هم دارند که الان اگر ما بودیم چنین می‌کردیم و چنان.
اتفاقات این روزهای جام جهانی درست شبیه به وضعیت ساختاری و مدیریتی در فوتبال ایران است. اختلاف با کشورهای پیشرفته در آسیا از جمله ژاپن و کره جنوبی همین‌قدر است که آنها امروز باید در یک‌هشتم نهایی به میدان بروند و تیم ملی مدت‌ها قبل چمدان به دست به تهران برگشته است. اصولا برخلاف رنکینگ تیم‌های آسیایی، ایران شبیه به دیگر اتفاقات خاورمیانه عمل کرده است و مثل تیم‌های همین منطقه در همان دور نخست مرحله گروهی از جام کنار رفته و در تحلیل‌ها هم که همه مقصر هستند مگر بازیکنان و اعضای کادر فنی و صدالبته مسئولان فدراسیون فوتبال ایران.
قطر، میزبان این دوره از رقابت‌ها که اولین و تاریخی‌ترین میزبان جام جهانی در خاورمیانه بود سطح فوتبالش را در جام جهانی به خوبی نشان داد. آنها حرفی در زمین برای گفتن نداشتند ولی آن‌قدری ساختار درست و حسابی در این کشور درست کرده‌اند که بعید است در همین سطح بمانند. احتمالا با توجه به پیشرفتی که آنها در این زمینه داشته‌اند، به زودی قطر هم به یکی از قطب‌های فوتبال آسیا و خاورمیانه تبدیل شود. آنها برخلاف تیم ملی ایران یک قهرمانی در سال‌های اخیر در جام ملت‌های آسیا داشته‌اند و اگر قرار بر مقایسه باشد همین حالا گوی سبقت را از ایران ربوده‌اند. شاید از بخت خوب ایران است که آنها در این جام جهانی بد بودند و ایران را تبدیل به بدترین تیم خاورمیانه نکردند. قطر اولین حذف‌شده آسیایی و اولین آنها در خاورمیانه بود. بعد هم نوبت به عربستان رسید. دیگر تیمی از خاورمیانه که با جام جهانی وداع کرد، عربستان ولی مثل ایران یک بازنده صرف نبود؛ آنها نشان دادند با اروه رنار فرانسوی برنامه‌های زیادی دارند. زیبا و چشم‌نواز بازی کردند و حتی آرژانتین با لیونل مسی افسانه‌ای را هم از پیش‌رو برداشتند. از لحاظ نتایجی که رقم خورد، عربستان در مقایسه با ایران عملکرد بهتری داشت و احتمالا این تیم هم در آینده‌ای نزدیک حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد. سرانجام هم که نوبت به ایران رسید. تیمی که با تغییرات در کادر مربیگری‌اش در پی صعود به دور دوم جام جهانی برای نخستین بار بود ولی زهی خیال باطل. ایران سنگین‌ترین شکست تاریخش را در همین جام برابر انگلیس متحمل شد و بعد هم که در دیداری سرنوشت‌ساز برابر آمریکا که فقط یک تساوی می‌خواست، با یک گل مغلوب شد و از جام کنار رفت. به همین سادگی، فرصتی به این بزرگی از کف رفت تا حسرت به دل هواداران ایرانی باقی بماند.
برخلاف تیم‌های خاورمیانه، سایر تیم‌های آسیایی خوش درخشیدند. استرالیا که از اقیانوسیه به آسیا اضافه شده، در کنار ژاپن که بی‌نظیر بود و کره جنوبی که جنگنده نشان داد، همگی به مرحله بعدی صعود کردند تا برای اولین بار در تاریخ، سه تیم از آسیا در مرحله حذفی جام جهانی حضور داشته باشند. این اتفاق در شرایطی رخ داده که برترین تیم آسیا پیش از شروع رقابت‌های جام جهانی، به خانه برگشته و از روی کاناپه جام را دنبال می‌کند. این موضوع به خودی خود تبدیل به یک فاجعه شده است چون این نسل از بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران نسل طلایی محسوب می‌شدند و بدون تردید بهترین فرصت را برای رفتن به مرحله بعدی جام جهانی داشتند. با این حال تصمیماتی خبرساز مبنی بر بازگرداندن کارلوس کی‌روش به ایران و ضعف فنی و آشکار این مربی در مدیریت تیم در بازی‌های جام جهانی، باعث شد این فرصت ارزشمند به راحتی آب‌خوردن از دست برود. کی‌روش که درست در حساس‌ترین بازی ایران با آمریکا باید شجاعت نشان می‌داد، دوباره ترسو شد تا حتی از گرفتن یک امتیاز هم عاجز بماند و موجبات حذف ایران از جام جهانی را رقم بزند. حالا هم که بعید است بسیاری از همین بازیکنان اصولا فرصتی برای حضور در جام جهانی بعدی داشته باشند.
جالب‌تر از همه اینکه بعد از نتایج اسف‌باری که




در جام جهانی رقم خورده و حتی عملکردی که ضعیف‌تر در مقایسه با جام جهانی در روسیه بوده، کسی حاضر به عذرخواهی نیست. از آن بدتر این که کارلوس کی‌روش را که مقصر اصلی ناکامی ایران در جام جهانی است هم چند روزی در تهران نگه داشته و او را به کاخ گردی بردند به این امید که از مدیران ایرانی دل‌چرکین نشود! از همه بدتر اخبار تأییدنشده‌ای است که می‌گوید فدراسیون فوتبال ایران درها را برای بازگشت مجدد کی‌روش به تیم ملی فوتبال ایران برای همیشه نبسته است. قرارداد این سرمربی با تیم ملی ایران به اتمام رسیده و او قبل از ترک ایران در جلسه‌ای با مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران هم حاضر شده تا احتمالا درمورد آینده‌اش در ایران صحبت کند. عجبا که قرار نیست مدیران فوتبال ایران ذره‌ای درس عبرت بیاموزند.
اگر واقعا چنین اخباری درست باشد باید به همه چیز و همه کس در این فوتبال از جمله همان افرادی که شعار می‌دهند دلسوز فوتبال ایران هستند شک کرد. مشخص نیست قرار است دیگر با چه متر و معیاری به کارلوس کی‌روش فرصت حضور دوباره داده شود. در شرایطی که تیم‌های قدرتمند و واقعی آسیا به مرحله بعدی رسیده‌اند، تیم ایران در گروهی به مراتب ساده‌تر از آنها از صعود بازمانده و هنوز هم به نظر می‌رسد دغدغه تعدادی از مسئولان، راضی‌نگه‌داشتن کارلوس کی‌روش است. مردی که حالا او هم می‌تواند در بازگشت به لیسبون، کاناپه‌ای نرم‌تر پیدا کرده و با پولی که از فدراسیون فوتبال ایران گرفته، اموراتش را به بهترین شکل ممکن سپری کند. حالا فقط می‌ماند شایعات موجود؛ باید منتظر ماند و دید دلسوز واقعی فوتبال ایران چه کسی است./ شرق

## باخت ایران و وداع با جام جهانی؛ پایانِ نمایشِ تناقض‌ها

**مهرداد خدیر:** باخت تیم ملی فوتبال ایران در مقابل آمریکا به رغم امیدآفرینی‌ها و دامن‌زدن به انتظارات که در سومین بازی جام جهانی قطر در شامگاه هشتم آذر ۱۴۰۱ رخ داد، مانع صعود به مرحلهٔ حذفی و تکرار خاطرهٔ خوشِ صعود هشتم آذر ۱۳۷۶ شد. اگر چه آن هشتم آذرَ صعود به خود جام جهانی بود و این صعود اگر رقم می‌خورد در خود تورنمنت بود و صعود به مرحلهٔ بعد. اما نشد!
این در حالی بود که طی چند روز قبل از آن، فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و رسانه‌ای هم به صورت طبیعی و هم مصنوعی و القایی همه تحت تأثیر این بازی قرار داشت یا قرار داده شد تا جایی که برخی عبور توپ از خط دروازه در یک بازی را به کاینات و الهیات و آسمان‌ها و اصول ایدیولوژیک و حقانیت و ارادهٔ خداوند پیوند داده بودند.
وداع ایران با جام جهانی هرچند با کارنامه‌ای کمابیش مثل دوره‌های قبلی صورت پذیرفت اما این بار بیش از پیش «نمایش تناقض‌ها» هم بود که اگرچه به صورت مشخص در صدا و سیما شاهد بودیم اما کل نگاه اصول گرایی ایرانی را به چالش کشید و این نگرانی را دامن زد که نکند در امور دیگر هم این قدر هیجانی تصمیم بگیرند و تحلیل و پیش‌بینی می کنند؟
در بیان این تناقض‌ها می‌توان ۱۰ فقره را برشمرد:
۱. روزنامهٔ کیهان پس از باخت سنگین ۶ به ۲ در مقابل انگلستان در بازی نخست که مثل یک سطل آب سرد روی تیم و هواداران بود در صفحهٔ اول تیتر زد: «برخی اعضای تیم غیرت نداشتند و سرود نخواندند/ ایران –۲، انگلیس و اسراییل و آل سعود و وطن‌فروشان داخلی و خارجی ۶». تنها چهار روز بعد اما وقتی ایران، در بازی دوم ولز را با دو گل شکست داد، همان کیهان تیتر زد: «ایران۲ – ولز، اسراییل و آل‌سعود و وطن‌فروشان داخلی و خارجی صفر.»
این بار به عکس نوبت پیش غیرت بازیکنان را ستود و بابت روتیتر قبلی پوزش خواست. کاری که کمتر از این روزنامه سر می‌زند کما این که هرگز بابت اتهاماتی که به سیاسیون و رسانه های مستقل و هنرمندان و متفکران و نویسندگان وارد آورده عذر نخواسته است. مگر در مواردی که پاره ای ملاحظات اقتضا یا الزام کند.
این دو تیتر آن قدر شگفت‌آور بود که بسیاری ابتدا باور نکردند و پنداشتند فتوشاپ است چون این حد از نگاه سیاست‌زده و تغییر موضع از بی‌غیرت دانستن و بعد باغیرت خواندن بازیکنان به غایت عجیب بود.
بعد از بازی با آمریکا و امروز اما دیگر صحبت از آل سعود و اسراییل و وطن فروشان داخلی و خارجی نبود و باخت را این گونه بازتابانده‌اند: «تیم ملی ایران علی‌رغم شایستگی از صعود به مرحلهٔ دوم جام جهانی بازماند». بله، همین! یعنی بی‌غیرتی و آل‌سعود و اسراییل و وطن‌فروشان داخلی و خارجی و استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و ارتجاع منطقه و زمستان سرد اروپا و خیانت‌های برجام و وادادگی حسن روحانی و قدم زدن جواد ظریف با جان کری و ملاقات ادعایی سید محمد خاتمی با جورج سوروس و مجلس ششم و روزنامه‌های اصلاح‌طلب در سال ۷۹ و حوادث ۸۸ و نظریات سعید حجاریان و فیلم‌های کارگردانان در این باخت هیچ نقشی نداشته‌اند! فقط باختیم: علی‌رغم شایستگی.
۲. فوتبال، یک بازی است و در خدمت صلح و دوستی نه میدان جنگ و نفرت پراکنی. قبل از بازی ایران و آمریکا اما مستندی از شبکه سه پخش شد که آمریکا را غرق در نابرابری و فقر و بیکاری نشان می‌داد. رییس جمهوری‌شان را هم مطابق ادبیات ترامپ پیرمردی خواب‌آلود. اینها اما چه ربطی به فوتبال دارد؟ این را آقای علی فروغی که مستندی چنین را سفارش داده باید توضیح دهد و ایضا این که چرا قبل از بازی با انگلیس فیلمی علیه ملکه سابق الیزابت دوم یا پادشاه کنونی پخش نشد و لابد اگر در مراحل بعد با فرانسه و آلمان بازی داشتیم علیه آنان هم مستند پخش می کردند؟ یا اگر به سعودی می‌خوردیم و قس علی هذا. سرود آمریکا را هم در آغاز بازی سانسور کردند و ایضا احتمالا دست دادن دو کاپیتان را. کافی است با فضای بازی ۳۱ خرداد ۱۳۷۷ مقایسه شود که آغشته به نفرت نبود. تفاوت دو رییس فدراسیون را در این رویکرد هم می‌توان دید.




۳. در دوره‌های پیش جام جهانی نوع مدیریت شادی مردم چالش امنیتی شده بود و این بار مدام همه جا صحبت از لزوم شادی بود. این تناقض هم تمام شد.
۴. نمی‌شود که برد در یک مسابقه فتح‌الفتوح و پیروزی حق بر باطل و خفت و ذلت و نکبت دشمن باشد ولی باخت، طبیعی و بگوییم فوتبال همین است و دو رو دارد و روی بد خود را به ما نشان داد. خوب اگر چنین است – که هست و فقط یک بازی است که اگر تکرار شود نتیجه دیگر است– آن لحن حماسی و رجز خوانی‌ها دیگر چیست؟
فوتبال برای لذت است. همین! مهم‌ترین تفاوت دنیای مدرن با جهان ماقبل مدرن در همین است که در نگاه مدرن رنج اصالت ندارد و لذت اصالت دارد. فارغ از این که این گزاره را درست بدانیم یا نه (چون انسان از رنج خلاصی ندارد و تمام دنیا را هم بدهند در غیاب عزیزان کوچیده به ارزنی نمی‌ارزد) تمام بازی‌ها برای لذت بردن است. این همان نکته است که رسانه انحصاری اصرار دارد انکار کند.
۵. در ادبیات دهه ۶۰ که درگیر جنگ بودیم جام جهانی فوتبال یک بازی سرمایه‌داری برای انحراف اذهان ملت‌ها و تخدیر آنان بود و این که رژیم‌های دیکتاتوری خاصه در آمریکای لاتین از آن بهره می‌برند. بعد که دیه گو مارادونا در مقابل فیفا ایستاد و فیدل کاسترو او را ستود و مشخص شد شیفته ارنستو چه گوارا است تحلیل‌ها تفاوت کرد. حالا هم تکلیف صدا و سیما و کیهان و اصول‌گرایان با این پدیده روشن نیست. از بام تا شام به تمام مظاهر نئولیبرالیسم فحش می‌دهند ولی به فوتبال و جام جهانی که می‌رسند تخفیف می‌دهند.
۶. علی کریمی و علی دایی مغضوب امروز بازیکنان جام جهانی های گذشته‌اند. آیا ۲۴ سال بعد هم این رفتار را با سردار آزمون و بازیکنان دیگر خواهند داشت؟ نمی‌شود که یک روز ستایش کنی و بعد سرزنش.
۷. نویسندهٔ این سطور لازم می داند جلوهٔ زشت‌تر تناقض را در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان هم به یاد آورد هر چند که همین حالا هم پیش چشم است. این که توقع داشتند بازیکنان مانند فعالان سیاسی به حوادث اخیر واکنش نشان دهند حال آن که با تصویر رامین رضاییان که هم اشک می‌ریخت و هم شادی می کرد حق مطلب ادا شد.
جام برای تیم ملی تمام شد ولی ادامه دارد تا ببینیم همای سعادت بر سر کدام تیم می‌نشیند اما مادام که تلویزیون مانند قبل کارشناسی را دعوت نمی کند یا دعوت و شاید التماس می کند اما نمی‌پذیرند و مادام که مسابقات فوتبال داخلی با حضور تماشاگران از سر گرفته نشود این تناقض‌ها همچنان توی ذوق می‌زند و محدود به جام جهانی نیست... / عصر ایران

## هزینه میلیاردی تبلیغات بانک‌ها برای جلوگیری از اخبار منفی

– چند بانک کشور سال گذشته مبلغ یک‌هزار و ۱۸۰میلیارد تومان هزینه تبلیغات کرده‌اند. این رقم متعلق به بانک‌هایی است که در بورس عرضه سهام دارند و صورت‌های مالی خود را منتشر می کنند.
– بانک‌های خصوصی در سال گذشته بیشترین تبلیغات به نسبت سال‌های اخیر را انجام دادند. مبلغ هزینه‌کرد بانک‌های بورسی در سال گذشته یک‌هزار و ۱۸۰میلیارد تومان بوده که بالاترین مبلغ به بانک ملت اختصاص داشت.
– براساس آمارها مجموع هزینه‌های تبلیغاتی صورت‌گرفته در چندین بانک کشور در پنج سال اخیر بالغ بر پنج هزار و ۱۴۸میلیارد تومان بوده که این رقم معادل سرمایه تاسیس چندین بانک است.
– در دوره مورد بررسی، ۱۳بانک یعنی؛ ملت، آینده، رفاه، پاسارگاد، صادرات، تجارت، ملل (موسسه اعتباری)، شهر، سامان، گردشگری و پارسیان بیشترین هزینه تبلیغات را پرداخت کردند. اما بانک دولتی ملی بیشترین هزینه تبلیغاتی را داشته است.
– ابتکار مسئولیت اجتماعی بانک‌ها در سه حوزه مشتری‌مداری، بشردوستانه و کمک به هم‌نوعان و حفظ محیط زیست اجرا می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فعالیت بانک‌ها در هرکدام از این حوزه‌ها، خود بهترین تبلیغ برای بانک‌هاست و اگر بانک‌ها روی این موارد مورد اشاره تمرکز کنند، قطعا می‌توانند تاثیر به‌مراتب بیشتری مانند تبلیغات بی‌کیفیت داشته باشد./ ایران تایمز

## چالش قطعی خوراک گاز برای پتروشیمی های فاز یک عسلویه با شروع سرما

پترو تحلیل نوشت:
ظرفیت فاز یک و دو پتروشیمی پردیس به میزان ۲۰ درصد، باوجود قرارداشتن در فصل مصرف اوره کاهش یافته است.
همچنین خوراک گاز پتروشیمی زاگرس به شدت کاهش یافته، اما کاملا قطع نشده است!
برخی از شرکتها می گویند: اخطاری مبنی بر قطعی گاز هنوز دریافت نکرده اند!
اما همواره پتروشیمی های متانولی و اوره سازها بیش از شرکتهای دیگر در معرض قطعی گاز قرار می گیرند.
برخی منابع خبری می گویند: در ساعات گذشته پتروشیمی های فاز یک عسلویه مانند جم و مجتمع های دیگر به صورت Normal Operation در سرویس هستند.
واحد الفین پتروشیمی جم شامل کوره هایی با دریافت خوراک مایع از برزویه (Light cut LPG,C5,End,Raffinate, C9)، پارس (C5)، Butane,Propane,)، فازهای گازی (Butane)، آریاساسول، مروارید و کاویان (C3) و خوراک گازی از فازهای گازی و پارس (Ethane) است و اگر ارسال خوراک گازی اتان از سمت فازهای گازی یا پتروشیمی پارس دچار قطعی و اختلال شود، پتروشیمی جم هم دچار مشکل خواهد شد.

## آموزش‌های نوین درباره اچ‌آی‌وی در مدارس ممنوع شده

مدیرعامل موسسه احیای ارزش‌ها:
امسال با کارشناس ایدز آموزش‌وپرورش صحبت کردیم و از آنها خواستیم با ما همکاری کنند. اما اعلام کردند، نامه‌ای به آنها داده شده مبنی بر این که به هیچ عنوان در مدارس از ایدز صحبت نشود.

### هک خبرگزاری فارس و بولتن های محرمانه ای که همگانی شدند
### پیشنهادی به "مسؤولان مؤثر" کشور :
# خود را از چنبره بولتن ها رها کنید
# بولتن نویسان شما را به بیراهه می کشانند

عصر ایران – بعد از هک شدن خبرگزاری فارس، مشخص شد که این خبرگزاری، به صورت منظم، بولتن های محرمانه ای برای مسؤولان ارشد – یا آنچنان که در توضیحات فارس آمده برای "مؤثرین" – ارسال می کرده است و قاعدتاً هم اکنون نیز این روند ادامه دارد.
متن کامل این خبرنامه ها که هم اکنون در فضای مجازی منتشر شده است، نشان می دهد که بسیاری مسؤولان "مؤثر" چگونه توسط نویسندگان معدودی، خط دهی فکری می شده اند (و می شوند).
طبیعی است که وقتی مسؤولی سال های سال در معرض تولیدات فکری یک جریان خاص سیاسی قرار بگیرد، بعد از مدتی، جامعه، رویکردها، نیازها و مطالبات آن را از همان منظر "یک سویه" می بیند و از داشتن نگاه "چند بعدی" که لازمه مدیریت است، محروم می شود.
مثلاً اگر بارها و بارها برایش خبر بیاورند که هم اکنون مطالبه اکثر مردم این است که چرا با بدحجاب ها برخورد نمی کنید، مسؤول مربوطه برای این که هم راستای مطالبات مردم حرکت کند، ممکن است در صدد گسترش گشت ارشاد و افزایش سطح برخورد با خانم های کم حجاب برآید.
حال آن که این ها، فقط اولویت های ذهنی نویسندگان بولتن ها هستند و مردم مطالبات دیگری دارند که چون به این بولتن ها راه نمی یابند، از منظر مسؤولان مؤثر دور می مانند و در تصمیم گیری ها لحاظ نمی شوند؛ استمرار این روند در گذر زمان به انباشت نارضایتی می انجامد.
البته روی سخن این نوشتار با تولید کنندگان بولتن های فارس نیست؛ آنها از امکانی که برایشان فراهم شده است، استفاده می کنند و دیدگاه های خود را به مسوولان منتقل می کنند. اگر این امکان برای یک رسانه اصلاح طلب نیز فراهم بود که به طور مداوم، بولتن هایی را برای مسوولان مؤثر بفرستد، همین اتفاق از زاویه ای دیگر رخ می داد و یکسویه نگری و گمراهی مسؤولان از منظری دیگر شکل می گرفت.
مخاطب اصلی این نوشتار خود همان مسؤولان مؤثر هستند:
این که شما در صدد آگاهی از آن چه در لایه های زیرین جامعه می گذرد هستید و از این رو، از دوستان رسانه ای تان می خواهید برایتان بولتن های محرمانه بفرستند، فی نفسه ارزشمند است ولی مطمئن باشید که با دریافت اطلاعات از یک کانال – یا از دهها کانال با نگاه های کمابیش یکسان – شما در دراز مدت، به مجری تولید کنندگان بولتن ها تبدیل می شوید. یعنی بعد از مدتی چنان خبرها و تفسیرهای گزینشی و جانبدارانه آنها در




اعماق فکر و اندیشه شما رسوب می کند که همه تصمیمات و اقدامات تان، تابعی از همان بولتن ها می شود و این در حالی است که تصور می کنید رأساً و مستقلاً فلان رویکرد یا تصمیم را اتخاذ کردید!
بدانید که بولتن نویسان، در بهترین حالت، می خواهند بولتن هایی تولید کنند که شما خوش تان بیاید.
شما با بسنده کردن به خط دهی یک جریان خاص – فرقی هم نمی کند که اصولگرا باشد یا اصلاح طلب یا ... – پیش از هر چیز، خودتان را از نگاه ۳۶۰ درجه به جامعه محروم می کنید و چون بدون چنین نگاهی تصمیم گیری می کنید، بسته به دایره اثری که دارید، در جامعه ایجاد مشکل می شود.
پیشنهاد جدی و از سر دلسوزی و صداقت این است که خود را از چنبره بولتن ها رها کنید.
بولتن ها متعلق به دورانی بودند که مسؤولان نمی توانستند با عمق جامعه مرتبط باشند ولی اکنون به یمن شبکه های اجتماعی، صریح ترین و عیان ترین مطالبات و نگاه های همه طیف های یک جامعه را می توانید در همان موبایل هایی که در جیب تان دارید ببینید.
بنابراین، اگر همین امروز عضو حدود ۱۰ کانال و صفحه و رسانه از طیف های مختلف، از مخالف مخالف تا موافق موافق شوید و روزانه فقط نیم ساعت آنها را مرور کنید و مطالب و تصاویر مهم شان را با دقت و زمان بیشتری بررسی کنید، بعد از مدت کوتاهی بدون واسطه بولتن نویسان از جریان های واقعی و جدی جامعه مطلع می شوید و خواهید توانست تصمیمات خردمندانه تری بگیرید. شما که قطعاً قدرت تشخیص و تمییز دارید و نیازی ندارید که فردی خبرها را با سلیقه خودش انتخاب و با نگاه خودش برایتان تحلیل کند و بعد به اسم بولتن محرمانه برایتان بفرستد.
لطفا این پیشنهاد را فقط سه ماه اجرایی کنید؛ اگر دیدید نگاه تان به جامعه واقع بینانه تر شد، ادامه اش دهید و اگر به این نتیجه رسیدید که پیشنهاد نامناسبی بود، به اندازه ۱۰ بار لمس کردن گزینه ترک کانال و صفحه روی موبایل تان، به زحمت خواهید افتاد که پیشاپیش بابت آن عذرخواهی می کنیم.
لطفاً به خاطر مردم، به خاطر کشور، به خاطر نظام و به خاطر خودتان، این پیشنهاد خالصانه را جدی بگیرید.

## نماینده مجلس: هر اندازه غرب ما را تحریم کند ما دوبرابر تحریم‌شان می کنیم

حسن نوروزی؛ نماینده رباط کریم و بهارستان در مجلس یازدهم به سایت دیده بان ایران گفت: ما معتقدیم اگر غربی‌ها ۱۰ نفر از مقامات ما را تحریم کرد ما نیز متقابل به مثل کرده و ۲۰ نفر از آنها را تحریم کنیم هر اندازه ما را تحریم کنند ما دوبرابرشان، آنها را تحریم می کنیم.

## کودک همسری در استان بوشهر ثبت نشده است

مدیرکل بهزیستی استان بوشهر: در هشت ماه نخست امسال موردی از کودک همسری در استان ثبت نشده است و گزارشی نداشته‌ایم اما افراد می‌توانند گزارش‌های خود در این خصوص را با خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳) در میان بگذارند.

## استاد دانشگاه تهران: تمایل به مهاجرت به دانشجوهای ترم یک رسیده است!

رضا امیدی عضو هیات علمی دانشگاه تهران و جامعه شناس:
هر چه به زمان حال نزدیک می شویم می فهمیم که جامعه ما بیشتر به این احساس دست پیدا کرده است که تلاش بیشتر منجر به دستاوردهای بیشتر نمی شود.
ما در دانشگاه می بینیم که تمایل به مهاجرت به دانشجوهای ترم یک رسیده است.
مساله دیگر در پیمایش های دهه ۹۰ این است که جامعه مسیر دولت ها را همسو با نیازهای اصلی خود نمی دانند یعنی احساس می کنند اولویت هایشان از جمله مقابله با فقر، نابرابری، بیکاری و ... برای دولت اولویتی ندارد.
دلالت دیگر این است که مدام نااطمینانی و ناامیدی برای حل مسائل رو به افزایش است. مساله خطرناک تر این است که این نااطمینانی فقط مختص دولت نیست و گونه های مختلف اقتدار مانند متخصصین و نخبگان نیز به این مسئله گرفتار شده اند.

## تعدیل ۲ هزار پرستار در کرونا

رئیس سازمان نظام پرستاری استان تهران از تعدیل دو هزار پرستار تهرانی در دوران کرونا خبر داد و نسبت به وضعیت نامشخص استخدام پرستاران تمدید طرحی دوران کرونا انتقاد کرد. امین کوهساریان، به ایسنا گفت: «تاکنون برنامه رسمی برای استخدام این افراد صورت نگرفته است. با وجود تاکید رهبری، نباید به پرستار نگاه کارگر فصلی داشته باشیم، اما برنامه رسمی و برگزاری آزمونی برای استخدام این پرستاران صورت نگرفته است و نه‌تنها جذبی صورت نگرفته است که حتی تعدیل هم صورت گرفته است.» به گفته او، هنوز برای استخدام این پرستاران نه بودجه‌ای در نظر گرفته شده و نه مجوز استخدامی صادر شده است. کوهساریان درباره نسبت پرستار به تخت در بیمارستان‌های پایتخت، افزود: «میانگین پرستار به تخت در دنیا حدود سه پرستار به ازای هر تخت است، اما در کشور ما حتی در برخی نقاط نسبت پرستار به تخت از یک هم کمتر است. این حق بیمار است که وقتی وارد بیمارستان می‌شود خدمات باکیفیت دریافت کند.»

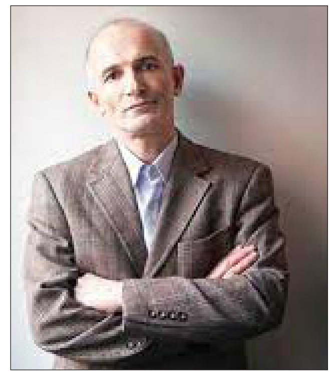
## فیلترینگ موثر نیست

غلامرضا نوری قزلجه، نماینده مجلس در یادداشتی در خبرآنلاین نوشت: «این نوع فیلترینگ خیلی کارآیی ندارد؛ به‌غیر از اینکه به فعالیت‌های اقتصادی مردم در پلتفرم‌های متعارف آسیب‌رسانی می‌کند، در حوزه مسائل امنیتی شاهدیم اخبار و تصاویر مورد استفاده قرار می‌گیرند و در این بین، فقط کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها آسیب می‌بینند.» او ادامه داد است: «آن طور که مسئولان کشور گفته‌اند، فیلترینگی که در حال حاضر اعمال می‌شود بر مبنای مصوبه شورای‌عالی امنیت ملی کشور است که نسبت به شرایط حاضر کشور پیش آمده است. ولی با توجه به آن چیزی که الان در فضای مجازی وجود دارد، معتقدم این نوع فیلترینگ خیلی کارآیی ندارد؛ ضمن اینکه به فعالیت‌های اقتصادی مردم در پلتفرم‌های متعارف آسیب می‌رساند. در حوزه مسائل امنیتی نیز شاهدیم، اخبار و تصاویر لازم با دسترسی‌های متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد و در این بین، فقط کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها آسیب می‌بینند؛ زیرا گردش مالی آن‌ها عددهای بزرگی نیست و برای همین با کوچک‌ترین تلنگری آسیب می‌بینند.»

**دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران با عنوان «اعتراضات ۱۴۰۱، ماهیت، چیستی و چرایی»:**

# به امید دولت شنونده و جامعه توانمند

## چهار سناریو برای ایران در آینده پسامهسا



به اعتراضات اخیر می‌توان از زوایای متفاوتی پرداخت. یکی از این زوایا، تحلیل همیلتونی یا تحلیل براساس بزنگاه است. این حرکت از لحظه مهسایی شروع می‌شود. لحظه مهسایی همان لحظه‌ای است که بار همه خواسته‌های انباشته‌شده در جامعه ایران به‌خصوص در چند سال اخیر را با خود همراه می‌کند.

این حرکت به شکل محسوسی با جریان‌های شناخته‌شده متفاوت است، به‌حدی که به نظر می‌رسد می‌توان آن را با واژه جدیدی مثل دگرجنبش، توصیف کرد. در واقع یک دگرجنبش را نمی‌توان فقط یک جنبش فمینیستی، یا جنبش کارگری، یا جنبش طبقه متوسط و سبک زندگی و جنبش قومی و مانند اینها... نامید. اگر این تصور را بپذیرید و حرکت اعتراضی اخیر را دگرجنبش تلقی کنیم، باید آن را به‌کلی متفاوت در نظر بگیریم که به نظر می‌رسد با شبکه‌ای از حرکت‌های هویتی جدید مواجهیم.

من دوازده جریان هویتی جدید را در ایران یادآوری می‌کنم. دکتر نعمت‌الله فاضلی، در مطالبش به هشت جریان اشاره کرده است و این جریان را انتهای همه حرکت‌ها نامیده‌اند و در الگویی که اینجا ارائه می‌شود نیز، شباهت‌هایی با آن الگو وجود دارد.

**جنبش جنسیتی:** من معتقدم حرکت اخیر، یک حرکت تمام‌عیار زنانه است. یعنی یک زنانه‌اندیشی ایرانی و یک فمینیسم ایرانی، در این حرکت به خوبی دیده می‌شود.

**جنبش گسست نسلی:** این حرکت را می‌توان حرکت دهه‌هشتادی هم نامید.

**جنبش الگوی سبک زندگی:** مردم می‌خواهند سبک زندگی متفاوتی را تجربه کنند. به‌دنبال مصرف پست‌مدرن هستند. (مصرف پست‌مدرن با مصرف سنتی پیشامدرن تفاوت ماهوی دارد. مردم این دوره و زمانه می‌خواهند از طریق مصرف، به حیات خود معنا ببخشند. مک کراکن و دیگران در این زمینه بحث کرده‌اند. مصرف‌کنندهٔ قدیمی منفعل، جای خود را به مصرف‌کنندگانی می‌دهد که می‌خواهند به آثار و کالاها معنا بدهند. مصرف فرهنگی مهم شده است و زمان فراغت از این جهت نیز موضوعیت می‌یابد).

**جنبش آزادی‌خواهی:** مثل خیلی از حرکت‌های کلاسیک، مشارکت‌جویی به‌خصوص در این دوره مورد توجه قرار گرفته است و به مسائلی مثل حقوق بشر و... توجه شده است.

**جنبش عدالتخواهی:** که مورد توجه طبقات تهی‌دست است. کارگران و حاشیه‌نشین‌ها. این افراد در این حرکت در شبکه جریان‌های موثر به نظر می‌رسد اثرگذاری بالایی دارند.

**جنبش دانشجویی:** به نظر می‌رسد این حرکت تا حدی حرکت نابهنگام باشد.

جنبش تمایزهای قومی، آئینی، زبانی و... که در این جریان شاهد بروز آن بودیم.

**جنبش دیاسپورایی** (ایرانیان خارج از کشور) که خود خوشه‌ای از حرکت محلی- جهانی گرایی است.

**جنبش اختیارات‌خواهی:** اختیارات محلی در ایران و منطقه‌ای و...

**جنبش دگرگشت‌های ارزشی جامعه:** ارزش‌های فردگرایانه، لذت‌طلبانه، نوعمل‌گرایی، غیرنخبه‌ای، زیباشناختی، تخیل جمعی، اقتضاگرا، رؤیاپردازی را می‌توان در زیر این حرکت تعریف کرد.

**حرکت هویت‌های حرفه‌ای/صنفی:** هویت‌هایی مثل هویت‌های آکادمیک، کارگری، معلمان، بازنشستگان. افرادی که احساس می‌کنند نادیده گرفته شده‌اند.

**حرکت سکولار و عرف‌گرایی و دین‌جدایی** و در ادامه‌اش **حرکت پساسکولار.** به‌خصوص وقتی نهاد دین در قدرت قرار گرفته است، حرکت سکولار در مقابل آن شکل می‌گیرد. در ادامه بحث، می‌توان مولفه‌های این جریان را بررسی کرد.

### نیروهای دگرجنبش

به نظر می‌رسد عبارت است از تمام دیگری‌شده‌ها، نادیده‌گرفته‌شده‌ها، تمام تحقیر شده‌ها، فراموش شدگان، غایبان، محذوفین، حاشیه‌ها، بازندگان به ناحق بازی‌های مسلط که طی چند دهه خیلی هم زیاد بودند، تمام هویت‌های فروخورده و هویت‌زدایی شده، تحت فیلترینگ‌ها، بی‌روسری‌ها از نیروهای این حرکت جدید هستند.

### رسانه دگرجنبش

شبکه‌های موبایلی-پلاس است. ما در ایران یک شبکه موبایلی داریم که وقتی شبکه‌های ماهواره‌ای مثل من و تو و ایران‌اینترنشنال ادغام می‌شود، یک شبکه رسانه‌ای ایجاد می‌کند که آن را شبکه موبایلی‌پلاس می‌نامیم. عملکرد رسانه‌ای‌اش اینفلوئنسری است که قدرت بازنمایی و روایت‌سازی دارد. این SMIs (Social media influencers) سرمایه اینفلوئنسری نوعی سرمایه نمادین این حرکت است. در دنیا تعبیری درباره این وجود دارد که گفته می‌شود جنگ میان SMIs با CMIs هستیم: Chief Executive Officer یا در واقع جنگ بین اینفلوئنسرها و آفیسرها است که البته اینفلوئنسرها برنده شدند. این برنده شدن در تاریخ سیاسی ایران قبلا هم اتفاق افتاده و امر بی‌سابقه‌ای نیست. همانطور که انقلاب مشروطه را می‌توان انقلاب تلگراف‌ها نامید یا در جریان انقلاب ۵۷ انقلاب نوارکاست‌ها بود که مقابل رادیوتلویزیون رسمی مبارزه می‌کرد.

### مکان اجتماعی دگرجنبش

مکان این حرکت از خیابان شروع می‌شود تا درون خودروها که با بوق‌زدن‌ها همراهی می‌کردند، از منازل و پشت‌بام‌ها تا شهرک‌ها و مکان‌های کار و تحصیل مثل مدرسه و دانشگاه و بالاخره به آمریکا و اروپا و حتی به نهادهای بین‌المللی رسید... که همین ویژگی و وسیع بودن این حرکت، باز آن را نسبت به حرکت‌های قبلی به کلی متمایز کرده است و شاید در هیچ کجای دنیا به این صورت دیده نشده باشد. شاید بتوان مکان این حرکت را نیز دگر مکان و دگرجا نامید.

### منطق فعال‌بودگی‌اش

منطق فعال‌شدگی و منطق عملکردگی، منطقی نقطه‌چینی و غیرخطی است. یک نوع منطق نقطه‌چینی یا پانکچویت Punctuated continuity در آن وجود دارد و به صورت حرکات سینوسی و حلزونی و غیرخطی و نامنظم حرکت می‌کند و یکی از خصیصه‌های این حرکت، این است که یک چرخش پارادایمی دارد.

### چرخش پارادایمی و گفتمانی

این ویژگی، یک رشد بی‌برگشت تمام‌عیار در ایران است، چون زیرپوست و پیوندی دارد که تحولی بر بستر یک پارادایم‌شیفت پدید آمده است. می‌شود آن را یک تحول اجتماعی بیش از یک تغییر کم‌دامنه‌تر اطلاق کرد که با دگرگون‌های ساختی کارکردی بیشتری همراه است و حاصل انباشتی اعمال عاملان اجتماعی در طول یک دوره است.

ما در این حرکت با سطوح تازه‌ای از بازنمایی مواجه‌ایم. مثل بازنمایی زن، جوان و کودک. امروز بازنمایی ما از بچه‌ها عوض شده است و درباره آنها یک شکل دیگر صحبت می‌کنیم. به نظرم زن‌ها زن‌تر شده‌اند. حالا امروز با سطوح تازه‌ای از آرزومندی مواجهه‌ایم. امروز افقی دیگر از انتظارت مثلا از بخش عمومی، از مدیریت شهری و... به‌وجود آمده است. مردم از انتخابات‌های آتی انتظارات بیشتری دارند. مقیاس تازه‌ای از جرأت در میان مردم ایجاد شده است. در این حرکت مردم نوعی انتظار موفقیت ایجاد شده است. نوعی خودآگاهی مدنی و اجتماعی، نوعی مهارت‌های پیشرفته شهروندی در مردم درست‌شده، نوعی عادت واره‌های تازه کثرت‌پذیری برای گفت‌وگو رشد کرده است. نوعی مهارت‌های ویژه شهروندی در مردم دیده می‌شود. تکانه‌های تازه‌ای در زمینه اعتبار دیده می‌شود. هماهنگی بین شهرهای مختلف دیده می‌شود. خصیصه اعتراضی در ایران فعال شده است که البته در فرهنگ ایران قبلا هم وجود داشته است. ائتلاف‌پذیری تازه‌ای در جامعه شکل می‌گیرد. مثلا در بین نیروها یا بین داخل و خارج این ائتلاف دیده می‌شود. مقیاس تازه‌ای از همگرایی بین شهری و سرزمینی دیده می‌شود. ما در این حرکت شاهد فعال شدن هویت‌های کوچک و اعتمادبه‌نفس ملی، قومی و مدنی و هستیم و ذخائر بخش میانی جامعه به‌معنای گیدنزی کلمه فعال شده است.

### آینده اعتراضات

در آینده‌پژوهی چند مفهوم کلیدی هست که به‌صورت خلاصه به آن می‌پردازم. یکی روندهایی است که دیگر آن قدر بزرگ می‌شود که به آن کلان روند گفته می‌شود (megatrend). در واقع این حرکت را می‌توان یک کلان روند نامید. وقتی یک کلان روند در جامعه ایجاد می‌شود، ا خود پیشرانه‌هایی driving force به وجود می‌آورد. یکسری مسائل جامعه ما را به سمت آینده پرتاب می‌کند. یک متغیر دیگر رویدادهاست. در واقع وقتی یک جامعه به سمت جلو حرکت می‌کند، رویدادها در حرکت سریع‌تر آن موثر هستند. در واقع لحظه مهسایی یک رویداد (event) بود که در حرکت روبه‌جلوی این جریان موثر بود. در واقع جامعه در حال حرکت بود که یک رویداد، به آن سرعت داد.

مفهوم بعدی عدم قطعیت است. رویدادها با پیشرانه‌ها، با هم مفهوم بعدی را به‌میان می‌آورند. برای جامعه این کلان روندها در کنار رویدادها جمع می‌شود و عدم قطعیت‌هایی برای جامعه ایجاد می‌کند. اگر ما بتوانیم عدم قطعیت‌های آینده را خوب تحلیل کنیم، می‌توانیم بگوییم براساس ماتریس عدم قطعیت، چند آینده برای ایران ترسیم کنیم. من براساس دو عدم قطعیت، چهار سناریو برای آینده ایران ترسیم می‌کنم و طبیعتا با عدم قطعیت‌های دیگر، می‌توان سناریوهای دیگری را برای ایران ترسیم کرد.

در این مدل، دو عدم قطعیت مهم را بررسی می‌کنیم: یکی در دولت چه وضعی ممکن است پیش بیاید؟ منظور از دولت به‌معنای کلی آن است. اینجا این سوال وجود دارد که دولت گفت‌وگو پذیر است یا نه؟ یعنی در یک ضلع نمودار به این پرداخته‌ایم که دولت گفت‌وگو پذیر است و در طرف دیگر دولت غیرگفت‌وگو پذیر. عدم قطعیت بعدی این است که در جامعه چه وضعی ممکن است پیش بیاید. یک‌سویه جامعه ایران این است که این جامعه توانمندسازی شده باشد و در نقطه مقابل آن، جامعه‌ای قرار دارد که توده‌وار باشد. براین اساس چهار فضای عدم قطعیت شکل می‌گیرد.

۱-اگر دولت گفت‌وگوپذیر باشد و جامعه توانمندسازی‌شده باشد، این حرکت به توسعه پایدار جامعه منتهی می‌شود.

۲-اگر دولت گفت‌وگوپذیر نباشد و جامعه هم توانمندسازی‌شده نباشد به سمت بی‌ثباتی و ناامنی پیش می‌رویم.

۳-اگر دولت گفت‌وگو پذیر نباشد، اما جامعه توانمندسازی‌شده باشد، اعتراضات ادامه خواهد داشت و حرکت‌های اعتراضی ایران را پیش خواهند برد.

۴-اگر دولت گفت‌وگوپذیر باشد، اما جامعه توده‌وار باشد، ما با یکسری اصلاحات بی‌نتیجه مواجه خواهیم بود.

### فقر معلولان

مدیرعامل انجمن ندای معلولان ایران می‌گوید، دچار شعارزدگی در رسیدگی به معلولان شده‌ایم و فکر می‌کنیم با شعار می‌توان کار را درست کرد. محمود کاری در این باره گفت: «به‌گفته سازمان بهزیستی، یک‌میلیون و ۶۰۰هزار معلول داریم و حدود ۳۰۰هزار نفر از این افراد خودشان ازطریق راه‌های مختلف توانستند اشتغال برای خود ایجاد کنند و در بخش خصوصی و دولتی اشتغال دارند. اگر قرار بود برای اشتغال معلولان کاری کنیم از سال ۱۳۸۳ تاکنون -که ۲۴سال می‌شود- هر سال برای ۳۰هزار تا ۵۰هزار نفر کار ایجاد می‌شد و الان همه افراد دارای معلولیت کار داشتند.» او درباره تجهیزات پزشکی مورد نیاز معلولان گفت: «در حال حاضر معلولان توان خرید ارتز، پروتز، بریس و... را حتی از هلال‌احمر ندارند، چه برسد که بخواهند از بخش خصوصی بخرند. هلال‌احمر با بخش خصوصی در این زمینه رقابت می‌کند. دست و پای مصنوعی الان قیمتش سر به فلک می‌گذارد و یک معلول حتی اگر درآمد هم داشته باشد و ماهی ۱۰میلیون هم حقوق داشته باشد، در سال چقدر باید پس‌انداز کند تا بتواند با این شرایط هر دو سال یک‌بار، بریس خود را تعویض کند. مسئولان ما در سازمان حمایتی، نشست هم‌اندیشی در این زمینه با جامعه هدف نداشته و اتاق‌فکر مناسب ندارند.»

### انتقاد از سخنان رئیس‌جمهور

«اگر امسال اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری آغاز نشده بود، بنده روی آمادگی حضور در جمع شما را نداشتم، اما به لطف خدا و با همت مسئولان، اجرای این قانون آغاز شده و در آینده تکمیل شده و ارتقا خواهد یافت.» این بخشی از اظهارات رئیس‌جمهور در مراسم بزرگداشت مقام پرستار است؛ مراسمی که نهم آذرماه با حضور جمعی از پرستاران کشور برگزار شد. محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار می‌گوید این تعرفه‌گذاری، یک تعرفه‌گذاری غیرعادلانه و غیرواقعی است که تنها برای این که بگویند آن را اجرا کرده‌اند. شریفی مقدم از اعتبار ناچیز هزار میلیارد تومانی برای تعرفه‌گذاری پرستاران خبر می‌دهد: «این تعرفه‌گذاری علی‌الحساب که برآمده از همان نظام ناعادلانه است، فقط در بیمارستان‌های دولتی تحت پوشش دانشگاه‌های نظام‌پزشکی کشور اجرا شد؛ در بیمارستان‌های تامین اجتماعی، خصوصی و بیمارستان‌های خیریه، پرستاران همین مبالغ علی‌الحساب را هم نگرفته‌اند.»

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

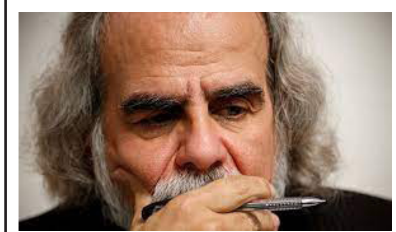
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان





## وظیفه اجتماعی انسان ها در زندگی

مصطفی ملکیان



هر کس به حسبِ میزان دارایی‌های درونی‌اش (یعنی میزان دانایی‌ها و توانایی‌ها)، ویژگی‌های شخصیتی و مَنشی‌اش، ویژگی‌های ژنتیکی، آن چه حوادث زندگی به او آموخته و تعلیم و تربیتی که دیده، و خلاصه با توجه به همهٔ امکان‌هایی که در زندگی دارد، باید تا جایی که می‌تواند جامعهٔ خود را اصلاح و تصحیح کند، از اشکالات و ایرادهای آن بکاهد و در قبالِ درد و رنج‌ها، فسادها، سوءِ نیت‌ها، سوءِ مدیریت‌ها، جهل‌ها و هر نوع نابسامانی موجود در این جامعه حساس باشد؛ چون اگر فرد اخلاقی نباشد، دست‌کم «عقلانی» که هست و می‌داند که باید در این جامعه عمر خود را بگذراند و بنابراین، هرچه این جامعه را به صلاح نزدیک‌تر کند، خودش هم سود می‌برد. اگر هم فرد «اخلاقی» باشد، می‌خواهد برای هم‌نوعان خودش که از این جامعه استفاده می‌کنند و در آن می‌زیَند و جز زیستن در این جامعه چاره ندارند، وضع بهتری فراهم کند. من بارها و بارها و بارها گفته‌ام که «نخستین گام در راه اخلاق (و به نظر بعضی، و حتی به نظر بسیاری از متفکران، حتی تا آخرین قدم) کاستن از درد و رنج دیگران است و دیگران هم کسانی‌اند که در این جامعه زندگی می‌کنند»؛ بنابراین هرگز نمی‌شود در قبال ظلم، ستم، بی‌عدالتی، بی‌نظمی، بی‌امنیتی، بی‌رفاه بودن، نابرابری، ناآزادی، نابرادری، بی‌شفقتی و بی‌صلح بودنِ جامعه حساس نبود. پس هرچه بتوانم برای نظم، امنیت، رفاه، عدالت، برابری، برادری، آزادی و صلح در این جامعه فعالیت کنم، باید انجام دهم.
منبع: فصل‌نامهٔ اطلاعات حکمت و معرفت، سال هفدهم، شمارهٔ ۲، پیاپی ۱۶۳، تابستان ۱۴۰۱.

## چرا نابرابری به صورت مداوم در حال افزایش است

کامران ندری کارشناس مسائل اقتصادی در گفتگو با فرارو با اشاره به اینکه تورم افسار گسیخته در اقتصاد ایران باعث ایجاد نابرابری گسترده‌ای در جامعه شده است، اظهار داشت: زمانی که در اقتصاد کشور درآمد مردم ریالی است، اما به دلیل تورم افسارگسیخته قیمت کالاها و خدمات در بازار روز به روز افزایش پیدا می‌کند طبیعتاً شاهد نابرابری گسترده از لحاظ درآمدی در جامعه خواهیم بود.
وی افزود: با توجه به شرایط تورمی موجود در کشور، ما با جامعه به اصطلاح دو پاره روبرو هستیم، از یک سو قشر عظیمی از جامعه که درآمد آن‌ها ریالی است و با افزایش هرچه بیشتر تورم، آن‌ها هر روز فقیرتر از گذشته می‌شوند، این افراد به دلیل این که سطح درآمدی پایینی دارند، توانایی تبدیل دارایی خود به کالاهای سرمایه‌ای و بادوامی مانند مسکن، زمین، خودرو، طلا و دلار را ندارند، بنابراین به دلیل وضعیت موجود سرمایه‌های خود را به صورت ریالی در بانک نگه می‌دارند.
ندری گفت: اما با توجه به وضعیت تورم فزاینده روز به روز ارزش دارایی‌های آن‌ها کم می‌شود، اما در مقابل قشر کوچکی از جامعه دارای این توان هستند که دارایی‌های ریالی خود را به انواع دارایی‌های سرمایه‌ای تبدیل کنند، از جمله زمین خانه، ملک، طلا، دلار، سکه و خودرو، این درحالیست که همزمان با بالا رفتنِ تورم ارزش دارایی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، طبعاً در چنین شرایطی این افراد نه تنها از بالا رفتن تورم متضرر نمی‌شوند، بلکه آن‌ها ثروتمندتر نیز خواهند شد.
این استاد دانشگاه اضافه کرد: اما افرادی که پول‌های خود را در بانک نگه داری می‌کنند، به دلیل اینکه بانک همپای تورم به سپرده‌های بانکی مردم سود نمی‌دهد، عملاً این موضوع به ضرر افراد تمام شود که در شرایط تورمی دارایی‌های خود را به صورت ریال نگه داشته‌اند، اما در مقابل کسانی که پول خود را به دارایی‌های ارزشمند تبدیل کرده‌اند، طبیعتاً ارزش سرمایه‌های آن‌ها در برابر تورم حفظ می‌شود، بنابراین در چنین شرایطی ما شاهد هستیم که نابرابری در جامعه روز به روز گسترده‌تر می‌شود و در این شرایط شکاف طبقاتی بسیار گسترده خواهد بود.
ندری اضافه کرد: از سوی دیگر به دلیل اینکه حقوق و دستمزد اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمد جامعه تنها یک بار در سال آن هم به میزان ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، اما در سوی مقابل قیمت کالاها با توجه به شرایط تورمی در اقتصاد از هر روزه با افزایش روبرو می‌شود، مردم نمی‌توانند دخل و خرج خود را نسبت به تورم هماهنگ کنند، که این موضوع باعث می‌شود قشر عظیمی از جامعه در تامین مایحتاج ضروری خود بمانند، اما در سوی



مقابل عده قلیلی در جامعه با توجه به سرمایه‌ای که دارند روز به روز بر ثروت آن‌ها افزوده می‌شود که طبیعتاً این مورد به افزایش نابرابری در جامعه دامن می‌زند.
این اقتصاددان با تاکید بر این که در حال حاضر جامعه به یک وضعیت دو قطبی دچار شده است، است ادامه داد: به نوعی یک اقلیت ثروتمند در مقابل در برابر اکثریت فقیر جامعه قرار گرفته‌اند و این شکاف طبقاتی که روز به روز افزایش پیدا می‌کند، باعث می‌شود جامعه و اقشار مختلف نسبت به ناکارآمدی دولت انتقاد داشته باشند و اعتراضات علنی شود و ابراز ناراحتی به اوج خود برسد، زمانی در اقتصاد چنین اتفاقی رخ می‌دهد که در بلندمدت تورم داشته باشیم و این شکاف طبقاتی روز به روز عمیق‌تر شود که نتیجه آن نیز اعتراضات علنی است که امروز در کف جامعه شاهد آن هستیم، بنابراین به اعتقاد بنده به نظر می‌رسد محرک اصلی چنین وضعیتی نیز عامل اقتصاد باشد، زیرا در این شرایط مردم از احساس تبعیض و بی‌عدالتی که در جامعه وجود دارد به ستوه آمده‌اند و می‌خواهند به هر نحوی که شده اعتراض خود را در این زمینه بیان کنند.

## «طارمی» دهمین گلزن برتر جهان در سال ۲۰۲۲

سایت فدراسیون بین‌المللی آمار و تاریخ فوتبال (IFFHS) به گلزنان برتر فوتبال جهان تا پایان ماه نوامبر ۲۰۲۲ اشاره کرد که طارمی در جایگاه دهم دنیا قرار دارد.
«طارمی» ۱۸ گل در لیگ برتر پرتغال، پنج گل در سایر جام‌های داخلی این کشور و شش گل در رقابت‌های بین‌المللی باشگاهی با پیراهن پورتو به ثمر رسانده و پنج بار دروازه رقبای تیم ملی ایران را گشوده است./ تسنیم

## سیاسی‌ترین مسابقه جام‌جهانی ۲۰۲۲

بعد از پایان مسابقه فوتبال ایران و امریکا و حذف ایران از جام جهانی، رسانه‌های مطرح دنیا واکنش‌های مختلفی به تقابل سیاسی فوتبالی ایران و آمریکا نشان دادند. نشریه «ال ناسیونال آرژانتین»، از آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ یاد کرد و نوشت: «در سیاسی‌ترین مسابقه جام‌جهانی ۲۰۲۲، تیم کارلوس کی‌روش آنطور که می‌خواست تیم‌اش مقابل شیطان بزرگ - یعنی آمریکا- بازی نکرد تا در نهایت با شکست در این مسابقه از گردونه رقابت‌ها کنار برود.» این رسانه آرژانتینی همچنین نسبت به میانگین سنی دو تیم با اشاره به انقلاب ایران نوشت: «هیچ‌یک از بازیکنان دو تیم که در زمین حضور داشتند، انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا توسط نیروهای انقلابی ایران را ندیدند و پس از مسابقه نیز بازیکنان فارغ از مسائل سیاسی، یکدیگر را در آغوش گرفتند». سایت گل انگلیسی هم با تقدیر از گلزن آمریکا نوشت: «جان‌فشانی پولیچیچ باعث شد تا تیم‌ملی کشور آمریکا با شکست ایران، راهی مرحله حذفی شود. گفتنی است پولیچیچ با مصدومیت شدید بعد از گلزنی، بازهم به زمین برگشت و تا پایان نیمه‌نخست هم تیمش را همراهی کرد». در روزهای پرتنش دولتمردان ایران و آمریکا، بازیکنان فوتبال دو کشور سعی کردند فارغ از مسائل سیاسی، با احترام خاصی مقابل هم قرار بگیرند. دیوید بلنکل، روزنامه نگار ورزشی آمریکایی در اینستاگرام خود به همین موضوع اشاره کرد و گفت: «اگر سیاستمداران اجازه دهند، انسان‌ها به هم می‌رسند.»

## هشدار جمهوری اسلامی به مسئولان؛ مراقب آتش زیرخاکستر باشید/ از شعله‌ور شدن مجدد این آتش بترسید

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به حوادث و اعتراضات بر پاشده پس از مرگ مهسا امینی در یادداشتی به مسئولان کشور هشدار داد.
این روزنامه نوشت:
مسئولان باید بدانند که آرامش کنونی فقط در صورتی ادامه خواهد یافت و از آرامش نسبی بودن به آرامش مطلق تبدیل خواهد شد که در روش حکمرانی در همان زمینه‌ها که موجب انباشت نارضایتی‌ها شده تجدید نظر اساسی کنند.
بارها نوشتیم و تذکر دادیم که این نوع آرامش‌ها به مثابه زیر خاکستر رفتن آتش است و اگر اهل درایت باشید باید از شعله‌ور شدن مجدد این آتش بترسید. این تصور را هم تصحیح کنید که اکثریت مردم با شما همراهند.
اکثریت مردم با نظام جمهوری اسلامی مشکلی ندارند ولی با شما به دلیل بی‌توجهی‌هایی که به حقوق قانونی‌شان می‌کنید همراه نیستند.

## خوشحالی غم‌انگیز

مجید یونسیان

خوشحالی گروه‌هایی (ولو اندک) از مردم از باخت تیم‌ملی فوتبال هم غم‌انگیز و هم تأمل‌برانگیز است. این یک تراژدی است و نمایانگر گسست و فروپاشی درونی بخشی از جامعه‌ای است که مسئولان هنوز نمی‌خواهند باور کنند که برخی مردم آنچنان ناراضی‌اند که حاضرند به همه چیز پشت‌پا بزنند؛ حتی فضیلت‌هایی که همیشه عامل پیوستگی و روح مشترک آنها بوده است. اینکه این همه اصرار در ندیدن واقعیت‌ها داشته باشیم ما را دچار یک پارادوکس و تناقض بزرگ کرده است. شکافی به‌وجود آورده است که پر کردن آن خیلی سخت است.
ما با عملکرد نادرست خود تمام صخره‌ها و نمادهای وحدت ملی ایرانیان را سست کرده‌ایم. جامعه را چند شقه کرده‌ایم. مردم را از خانواده تا دانشگاه از بلوچ تا فارس از کرد تا عرب همه را در برابر هم قرار داده‌ایم. همه رودرروی هم قرار گرفته‌اند. ارزش‌ها و فضیلت‌ها قربانی سیاست شده است و این‌ها همه از نادرستی اعمالی است که به اسم جمهوری اسلامی عیان شده است، درحالی که چنین رفتارها و هنجارهایی تنها ناشی از جهل و فقر و فلسفه غلط مدیریتی است. موضوع آن قدر ساده است که آیندگان بر ما خرده خواهند گرفت که چگونه ما اجازه داده‌ایم، ساده‌ترین و روشن‌ترین و عادلانه‌ترین حق مردم یک جامعه که مطالبات ساده برای یک زندگی امن و آرام دارد، نادیده گرفته شود و با کمال تعجب فقط این مطالبات را به بیگانگان و دشمنان نسبت داده‌ایم. اگر ما از این مسیر برنگردیم و ریل تحولات جامعه را اصلاح نکنند، خسارت‌هایی خواهیم دید که در تاریخ بی‌سابقه است. خوشحالی غم‌انگیز از باخت تیم ملی یعنی پشت پا زدن به یکی از ارکان وحدت تاریخی و عیان شدن یک دره عمیق در روح وحدت جامعه. این باید همه را و همه دوستداران ایران را نگران کند و برای ترمیم آن کاری بکنند. فلسفه نزاع خیر و شر، شیطان و خدا، انقلاب و ضدانقلاب، حق و باطل، دیو و فرشته، کارساز نیست و نخواهد بود، تنها فلسفه‌ای که می‌تواند ما را نجات دهد فلسفه انسانیت است./ هم میهن

## اظهار نظر وزیر ورزش درباره حذف تیم ملی از جام جهانی: قسمت این بود

حمید سجادی وزیر ورزش درباره نتایج تیم ملی ایران در جام جهانی گفت: به هر حال جام جهانی بود اما همه دوست داشتیم از این مرحله صعود کنیم. تیم تلاش کرد اما کادر فنی و مردم باید از نظر فنی قضاوت کنند. من هر سه بازی را حضور داشتم و سعی کردم روز بازی خودم را به دوحه برسانم. به هر حال شرایط جام جهانی خاص بود و خیلی از تیم‌ها از جمله تیم میزبان نتوانستند صعود کنند. مهم کیفیت عملکرد بازیکنان بود که در مقابل ولز مردم را خوشحال کردند و خود را به خوبی نشان دادند. بازی دیشب مقابل آمریکا را هم دیدید. بازیکنان مقابل آمریکا تمام تلاش‌شان را انجام دادند اما قسمت این بود.

## پاداش باخت

سخنگوی فدراسیون کشتی در مصاحبه‌ای گفت: کشتی طی سالیان اخیر در مسابقت جهانی و المپیک افتخارآفرینی زیادی داشته، ولی اصلا به حق قانونی‌اش نرسیده. متأسفانه جوایز و پاداش کشتی‌گیران هنوز پرداخت نشده، ولی شاهد این هستیم که به فوتبالیست‌ها پاداش باخت و حذف شدن از جام جهانی می‌دهند.